



خط قرمزی نداشتیم
اظهارات دبیر جشنواره فیلم شهر



درد از دست دادن
بررسی اقتصاد رفتاری تنفر از باخت



کودک‌همسری قانونی!
درباره سایت همسرگزینی آدم و حوا

یادداشت روز

جدال دو پارادایم

سیاست‌های آینده بحران آب در ایران

روح‌الله اسلامی

دانشیار علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی مشهد

مسئله آب، مهم‌ترین بحران آینده ایران است. در شرایطی که جمعیت، شهرنشینی و مصرف رو به افزایش است، منابع آب تجدیدپذیر کشور به سرعت در حال کاهش‌اند. تغییر اقلیم، کاهش بارش، افزایش تبخیر و برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی، ایران را در آستانه یک دگرگونی تاریخی قرار داده است. دیگر بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز به‌صورت مستقیم از بحران آب تغذیه می‌کنند. در این میان دو پارادایم متفاوت در سیاست‌گذاری آب در ایران با یکدیگر در جدال‌اند: پارادایم توسعه پایدار و پارادایم فنی‌مهندسی. آینده ایران در گرو انتخاب و ترکیب درست این دو رویکرد است.

پارادایم توسعه پایدار: بازگشت به خرد تاریخی

پارادایم توسعه پایدار بر حفظ منابع طبیعی و احترام به ظرفیت‌های بوم‌شناختی کشور تأکید دارد. در این نگاه، آب صرفاً یک کالای فنی نیست بلکه عنصر تمدنی، فرهنگی و اخلاقی است که حیات اجتماعی بر آن استوار است. ایران، سرزمین قنات و دانش سازگاری با خشکی است. این پارادایم، راه‌حل را در بازسازی همین سنت عقلانی می‌داند:

- احیای قنات‌ها به عنوان شبکه‌های پایدار و خودتنظیم آب‌رسانی؛
- جلوگیری از انتقال بین‌حوضه‌ای آب که تعادل اکولوژیک مناطق را بر هم می‌زند؛
- کاهش سدسازی و چاه‌های عمیق که منجر به فرونشست زمین شده‌اند؛
- بازچرخانی و تصفیه آب برای مصارف صنعتی و کشاورزی؛
- اصلاح الگوی کشت با جایگزینی محصولات کم‌آبر و توسعه کشت گلخانه‌ای؛
- توسعه واردات هوشمند محصولات پراآبر به جای تولید داخلی آنها؛
- دیپلماسی آب به عنوان ابزار همکاری منطقه‌ای در مدیریت منابع مشترک؛
- و در نهایت، احترام به محیط زیست به‌مثابه زیرساخت بقای دولت و جامعه.

این رویکرد، آب را نه‌تنها مسئله‌ای اقتصادی بلکه پایه مشروعیت سیاسی و اخلاقی حکومت می‌داند. حکومتی که نتواند آب را مدیریت کند، دیر یا زود با بحران مشروعیت و مهاجرت گسترده مواجه خواهد شد.

پارادایم فنی‌مهندسی: پاسخ کوتاه‌مدت به بحران فوری

در برابر، پارادایم فنی‌مهندسی قرار دارد که در دهه‌های اخیر سیاست غالب مدیریت آب در ایران بوده است. این دیدگاه، بحران آب را مسأله‌ای فنی می‌داند که باید با فناوری و سازه‌های بزرگ مهار شود. از حفر چاه‌های عمیق و سدسازی گرفته تا انتقال آب بین‌حوضه‌ای و طرح‌های شیرین‌سازی آب دریا، همه در چارچوب همین منطق قرار دارند. با تداوم خشکسالی و کاهش ذخایر سدها، این رویکرد به سرعت در حال گسترش است:

- حفر چاه عمیق در همه نقاط کشور برای تأمین آب شرب شهرها؛
- انتقال آب به کلان‌شهرها به قیمت خشک شدن مناطق روستایی؛
- تخریب قنات‌ها و از بین رفتن کشاورزی سنتی؛
- افزایش هزینه آب شهری و خرید تانکری آب برای مجتمع‌های مسکونی؛
- اعتراض‌های شهری به کمبود و گرانی آب و هم‌زمان
- اعتراض روستاییان به انتقال منابع آب به شهرها. نتیجه نهایی این روند، تشدید نابرابری فضایی و مهاجرت اجباری از روستا به شهر است. ایران آینده در چنین وضعی به جامعه‌ای شهری، نابرابر و پرتش بدل می‌شود که امنیت ملی آن در خطر است.

| ادامه در صفحه ۲

از یک‌سو بر مقاومت و استکبارستیزی تأکید می‌کنیم و از سوی دیگر شعار اولویت اقتصاد می‌دهیم. بیش از ۴ دهه است که دنیا از رقابت نظامی به رقابت اقتصادی وارد شده، اما ما هنوز در همان مسیر قبلی مانده‌ایم



ضرورت مصالحه بزرگ

سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در برنامه «گفت‌وگوی استراتژیک» اکوایران: کابینه باید مرکز قدرت اداره کشور باشد، اما امروز درحالی‌که مسئول اداره کشور است، قدرت در اختیارش نیست • استقلال قاضی و دیوان عالی محفوظ است، اما سیاست‌های قضایی از سیاست‌های کلان کشور جدا نیستند • مجلس هم به‌جای تمرکز بر قانون‌گذاری کلان در امور اجرایی دخالت می‌کند • کشور ما چندمدیریتی شده است؛ با نهادهای نظارتی متعدد و تصمیم‌گیری‌های پراکنده. در چنین شرایطی، اداره کارآمد کشور ممکن نیست • در نهایت باید به یک مصالحه بزرگ برسیم و آن مصالحه بزرگ، خیلی روشن است؛ قدرت، هم برای جنگ به‌کار می‌آید و هم برای صلح و بهتر است قدرت ایران را برای صلح به کار ببریم تا پشتوانه امنیت و توسعه ایران باشد

گروه سیاسی: سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در برنامه «گفت‌وگوی استراتژیک» رسانه اکو ایران با تأکید بر گذشت بیش از ۴ دهه از انقلاب اسلامی هشدار داد که کشور در سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ با بن‌بست‌های جدی روبه‌روست. او ناکارآمدی ساختار سیاسی، سیاست‌های کلان متناقض و کنار گذاشتن نیروهای متخصص را سه عامل اصلی این وضعیت دانست و با اشاره به اینکه دولت در بسیاری از حوزه‌ها اختیار کامل ندارد، گفت: «کابینه باید مرکز قدرت اداره کشور باشد اما امروز در حالی که مسئول اداره کشور است، قدرت در اختیارش نیست؛ در حالی که ۲۹۰ نماینده مجلس به جای

قانون‌گذاری در کار اجرایی دخالت می‌کنند». مرعشی با انتقاد از حذف نیروهای متخصص به دلیل نگاه‌های جناحی افزود: «کشور بدون اتکا به انسان‌های کارآمد اداره نمی‌شود. نباید جامعه را به اصلاح‌طلب، اصولگرا یا فتنه‌گر تقسیم کرد». وی با تأکید بر اینکه اقتصاد باید اولویت سیاست‌های کلان باشد به محدودیت رشد اقتصادی ایران تحت تحریم اشاره کرد و هشدار داد که «در بهترین شرایط اگر اقتصاد به خوبی مدیریت شود و فساد، ریشه اقتصاد را خشکاند، رشد اقتصادی بیش از ۳ درصد امکان‌پذیر نیست». وی در ارتباط با سیاست خارجی کشور و لزوم دیپلماسی فعال نیز تصریح کرد: «در نهایت ما باید به یک مصالحه

جدی و عمیق‌اند و شاید ما توانسته‌ایم آنها را به درستی حل کنیم؛ احتمالاً هم این مشکلات ادامه‌دار خواهند بود و اگر بخواهیم مشکلات را دسته‌بندی کنیم، می‌توان آنها را در سه محور بررسی کرد؛ اول، سازماندهی کشور است؛ یعنی سازمانی که از دل قانون اساسی و نظام سیاسی حاکم بر کشور شکل گرفته است. در این ساختار، نهادهایی چون ولایت فقیه، دولت و تفکیک قوا وجود دارند. اکنون کشور نیاز دارد که ناکارآمدی‌های این نظام سیاسی را واقع‌بینانه تجزیه و تحلیل کنیم و به ضعف‌هایش بپردازیم. مهم‌ترین ضعف این ساختار، جدایی قدرت و مسئولیت است.

| ادامه در صفحه ۲

دیدگاه: یادداشت سیاسی

تلاطم سیاست‌ها

سرمایه‌گذاری بی‌اعتماد، توسعه نمی‌آورد



مجید صالحی‌فیروزآبادی

عضو شورای مرکزی
حزب کارگران سازندگی ایران

در دنیای امروز، هیچ کشوری بدون سرمایه‌گذاری به توسعه نرسیده است. حتی کشورهایی که منابع طبیعی و خدادادی چندانی نداشتند با تکیه بر سرمایه‌گذاری هوشمند، راه خود را از وابستگی به خوداتکالی و نوعی توسعه‌یافتگی درون‌زا تغییر دادند. با این حال در فضای سیاست‌گذاری ایران، گاه این تصور شکل می‌گیرد که می‌توان بدون سرمایه‌گذاری چشمگیر صرفا با اصلاحات اداری یا تغییر نگرش‌ها، مسیر توسعه را پیمود. این نگاه، هرچند خوش‌بینانه و شاید از سر نیت خیر باشد اما در عمل پر از اما و اگر است و اما و اگر‌ها زمانی افزایش می‌یابد که برنامه مدون و با لحاظ مبانی کارشناسی هم وجود ندارد و تصمیمات آبی و سلیقه‌ای به همراه سیاست زدگی شدت می‌یابد.

تجربه کشورهای شرق آسیا مانند کره جنوبی، سنگاپور و مالزی نشان می‌دهد که رشد سریع اقتصادی نتیجه تصمیم‌های دشوار و سرمایه‌گذاری بلندمدت در زیرساخت‌ها، آموزش و فناوری بوده است. دولت‌های این کشورها نه تنها منابع داخلی را بسیج کردند بلکه با ایجاد اعتماد و ثبات در قوانین، سرمایه خارجی را جذب کردند. مهم‌تر از همه آنکه میان سیاست و مدیریت و برنامه‌ریزی فاصله و تفاوت قائل شدند؛ یعنی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را از منطق سیاسی و رویکردهای سیاسی جدا کردند.

در مقابل، کشورهایی مانند ونزوئلا، نیجریه یا مصر با وجود منابع فراوان و سرمایه‌گذاری‌های کلان در دام توسعه‌نیافتگی و نوعی عقب‌ماندگی گرفتار ماندند زیرا اولویت‌ها بر اساس شعار و سیاست‌زدگی و نه بازده اقتصادی تعیین می‌شد. تفاوت اصلی میان این دو گروه کشورها نه در حجم سرمایه بلکه در کیفیت مدیریت و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات و از همه مهم‌تر برنامه‌ریزی بود.

در ایران نیز کمبود منابع مالی همیشگی به‌عنوان مانع اصلی توسعه معرفی شده است درحالی‌که بخش بزرگی از مشکل به نحوه تخصیص، تداوم و شفافیت سرمایه‌گذاری‌ها برمی‌گردد. حجم عظیمی از پروژه‌های نیمه‌تمام، بنگاه‌های زیانده دولتی و سرمایه‌های سرگردان در نظام بانکی نشان می‌دهد که مدیریت منابع مهم‌تر از تزریق منابع جدید است. امروز مساله ایران نه فقدان سرمایه بلکه بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به محیط تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کلان کشور است. تا زمانی که قوانین و سیاست‌ها با هر تغییر مدیریتی دگرگون شوند هیچ سرمایه‌ای، حتی داخلی، حاضر به ماندن نخواهد بود.

راه برون‌رفت از این وضعیت صرفا اقتصادی نیست؛ مدیریتی است. ایران برای فعال‌سازی ظرفیت‌های خود باید ۳ اصلاح کلیدی انجام دهد:

- بازطراحی نظام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری بر پایه تحلیل بازده اقتصادی و ارزیابی ریسک
- ایجاد ثبات و شفافیت در سیاست‌ها تا سرمایه‌گذار بتواند آینده را پیش‌بینی کند
- افزایش بهره‌وری سرمایه انسانی با تمرکز بر آموزش مهارت، مسئولیت‌پذیری و نوآوری و شکوفایی.

در دنیای امروز، سرمایه‌گذار به دنبال سود کوتاه‌مدت نیست بلکه به دنبال «امنیت تصمیم» است. کشورهایی که توانسته‌اند مسیر توسعه را طی کنند، سرمایه را نه فقط جذب بلکه حفظ کرده‌اند و با صداقت در سیاست‌گذاری، ثبات در تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی در مدیریت نیز آن را افزایش داده‌اند. اگر ایران نتواند این سه ویژگی را در حکمرانی اقتصادی خود نهادینه کند هیچ حجم سرمایه‌گذاری، چه داخلی و چه خارجی، نمی‌تواند توسعه پایدار و ماندگار به همراه آورد و ناگزیر در دام توسعه‌نیافتگی قرار می‌گیرد.

درنهایت، توسعه بدون سرمایه‌گذاری ممکن نیست اما تجربه جهانی نشان داده است که سرمایه‌گذاری بدون اعتماد، شفافیت و مدیریت صرفا هزینه است نه پیشرفت. توسعه، پیش از آنکه به پول نیاز داشته باشد به اعتماد، عقلانیت و استمرار در تصمیم درست نیاز دارد؛ چیزی که کمبود آن از کمبود سرمایه خطرناک‌تر است. دولت بیش از هر زمان نیازمند اتخاذ تصمیمات سخت در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی‌های خود به ویژه بلندمدت است.

ادامه تیتیر یک

ضرورت مصالحه بزرگ

ریشه ناکارآمدی ساختار سیاسی

او نخستین عامل را به ساختار نظام سیاسی نسبت داد و تصریح کرد: «در نظام‌های موفق دنیا، هر کس که قدرت اصلی را در دست دارد همان شخص مسئول نیز هست؛ رئیس کابینه، نخست‌وزیر ژاپن، صدراعظم آلمان، رئیس‌جمهور فرانسه، رئیس‌جمهور آمریکا، نخست‌وزیر هند یا پاکستان فرقی نمی‌کند. اما در ایران قدرت اصلی طبق قانون اساسی به ولایت فقیه واگذار شده است. این قدرت در مواردی به کار کشور آمده مثلا در دوران جنگ یا در بحران‌های نظامی اخیر، وجود یک قدرت مرکزی مفید بوده است. اما این قدرت در سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد، فرهنگ و مسائل اجتماعی فعال نیست. در این حوزه‌ها، قدرت در اختیار رهبری است اما مسئولیت اداره کشور بر دوش دولت قرار دارد؛ در حالی که دولت همه قدرت را در اختیار ندارد. مرعشی با تأکید بر اینکه دولت اختیار کامل برای انجام مسئولیت‌هایش ندارد، افزود: «برای نمونه، وزیر دادگستری که در جلسات دولت شرکت می‌کند هیچ اختیاری در قوه قضاییه ندارد. رئیس‌جمهور نیز فرمانده کل قوا نیست؛ پس تصمیمات نظامی و دفاعی هم در دولت اتخاذ نمی‌شود. شوراهای متعددی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تشکیل شده‌اند و عملا بخشی از تصمیم‌گیری‌های فرهنگی کشور را از دولت گرفته‌اند. با این نوع سازماندهی جزیره‌ای، کشور قابل اداره نیست».

به گفته او در هیچ‌یک از نظام‌های موفق جهان، قوه قضاییه به شکل یک نهاد مستقل از دولت وجود ندارد: «دادگستری بخشی از دولت است. استقلال قاضی و دیوان عالی محفوظ است اما سیاست‌های قضایی از سیاست‌های کلان کشور جدا نیستند. در ایران این جدایی بسیار آسیب‌زااست. مجلس هم به جای تمرکز بر قانون‌گذاری کلان در امور اجرایی دخالت می‌کند. ۲۹۰ نماینده داریم که به جای ایفای نقش نظارتی و کلان در جزئیات اجرایی کشور مداخله می‌کنند. به این ترتیب، کشور ما چندمدیریتی شده است؛ با نهادهای نظارتی متعدد و تصمیم‌گیری‌های پراکنده. در چنین شرایطی، اداره کارآمد کشور ممکن نیست».

ضرورت اقتصادی شدن سیاست‌های کلان

مرعشی، دومین عامل را به سیاست‌های کلان کشور نسبت داد و گفت: «برخلاف آنچه در ایران رایج است که مجمع تشخیص مصلحت نظام انبوهی از سیاست‌های کلی را تدوین می‌کند، سیاست کلان واقعی این نیست. سیاست‌های کلان در واقع وظیفه دولت‌هاست؛ دولت باید آنها را تدوین و اجرا کند. سیاست کلان یعنی مشخص کردن جهت کلی کشور؛ مثلا اینکه جایگاه ما در جهان چیست، در منطقه چه نقشی می‌خواهیم داشته باشیم و اولویت‌مان چیست». او با اشاره به تجربه چین ادامه داد: «در چین ۴۸ سال پیش تغییر دکترین اتفاق افتاد. ماو پس از شکست سیاست «جهش بزرگ» و مرگ میلیون‌ها نفر از گرسنگی، پذیرفت که مسیر اشتباه بوده است. پس از او چین تصمیم گرفت، اقتصاد را در اولویت قرار دهد و با جهان تعامل کند. نتیجه؟ در آن زمان تولید سرانه چین ۲۰۰ دلار بود اما امروز ۱۱ هزار دلار است. این یعنی قدرت واقعی چین نه در تانک و سلاح هسته‌ای بلکه در اقتصادش است».

به گفته مرعشی، در ایران سیاست‌های متناقضی دنبال می‌شود: «از یک‌سو بر مقاومت و استکبارستیزی تأکید می‌کنیم، از سوی دیگر شعار اولویت اقتصاد می‌دهیم. این دو با هم جمع نمی‌شوند. بیش از ۴ دهه است که دنیا از رقابت نظامی به رقابت اقتصادی وارد شده اما ما هنوز در همان مسیر قبلی مانده‌ایم. سهم ایران

ادامه یادداشت روز

جدال دو پارادایم

پیروزی پارادایم فنی در کوتاه‌مدت، فروپاشی زیست‌محیطی در بلندمدت

تغییر اقلیم، کاهش بارش و تداوم تحریم‌ها به نفع پارادایم فنی عمل خواهند کرد. دولت ناچار است برای حفظ آب شرب از هر راه ممکن- حتی بره‌زینه و ناپایدار- استفاده کند. اما این پیروزی موقتی است زیرا سازه‌های فنی بدون پشتوانه زیست‌محیطی و اجتماعی، تنها بحران را از یک منطقه به منطقه دیگر منتقل می‌کنند. سدها می‌خشکنند، چاه‌ها فرومی‌نشینند و اکوسیستم‌ها نابود می‌شوند.

از اقتصاد جهانی از ۱.۲ درصد به ۰.۴ درصد کاهش یافته؛ یعنی یک‌سوم شده است. اگر واقعا به دنبال قدرت و استقلالیم باید اقتصاد را در اولویت قرار دهیم؛ چراکه کشوری فقیر نه می‌تواند از خود دفاع کند و نه حوزه نفوذ منطقه‌ای را حفظ کند».

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، سومین عامل را بی‌توجهی به نیروهای اداره‌کننده کشور دانست و افزود: «کشور بدون انسان‌های متخصص و کارآمد ساخته نمی‌شود. ما در سال‌های پس از انقلاب اشتباه بزرگی مرتکب شدیم؛ گفتیم «تخصص بدون تعهد» فایده ندادرد و در نتیجه بسیاری از متخصصان را کنار گذاشتیم. در حالی که بی‌تخصصی، خود نشانه بی‌تعهدی است». مرعشی ادامه داد: «باید بپذیریم کشور با افراد تازه‌کار اداره نمی‌شود. در بسیاری از موارد، کسانی که متعهد و متخصص بودند، کنار زده شدند. در ماجرای نظارت استصوابی هم دیدیم که چگونه همین رویکرد باعث کاهش کیفیت مجلس شد. وقتی بسیاری از چهره‌های کاردارن به دلیل رد صلاحیت کنار می‌روند، مجلس از کفایت تهی می‌شود». او نتیجه گرفت: «سه عامل اصلی نظام سیاسی و اداری ناکارآمد، دوم، سیاست‌های کلان نادرست و متناقض و سوم، ضعف مدیریتی و کنار گذاشتن نیروهای متخصص باعث شده کشور در بن‌بست قرار گیرد».

تجربه توسعه در دولت‌های سازندگی و اصلاحات

مرعشی با اشاره به عملکرد دولت‌های گذشته گفت: «در دوران آقای هاشمی و آقای خاتمی به‌رغم همین مشکلات، تلاش‌هایی



برای عبور از بحران‌ها شد. آنها سعی کردند با تعدیل سیاست‌ها، استفاده از کارشناسان و تعامل بیشتر با رهبری، مسیر کشور را اصلاح کنند. مثلا تولید خودروی سواری از ۸ هزار دستگاه در پایان جنگ به ۵۰۰ هزار در پایان دولت هاشمی و به یک میلیون در پایان دولت خاتمی رسید. این نشان می‌دهد، روند توسعه آغاز شده بود اما استمرار نیافت؛ چون نظام سیاسی ما حزبی و ساختاری نبود». او تأکید کرد: «کشور بدون حزب قابل اداره نیست. همان‌طور که نظام پزشکی بدون سازمان نظام پزشکی نمی‌تواند عمل کند، سیاست هم بدون ساختار حزبی منسجم پیش نمی‌رود. اگر در ایران ۳ یا ۴ حزب اصلی با گرایش‌های فکری مشخص داشتیم، اداره کشور منطقی‌تر می‌شد. در واقع تا زمانی که قانون اساسی اصلاح نشود و نظام سیاسی کشور کارآمدتر نشود این بن‌بست‌ها ادامه دارد. البته می‌شود با تدابیر رهبری، بخشی از اختیارات به رئیس‌جمهور تفویض شود همان‌طور که در گذشته سابقه داشته است. اما در نهایت، اولویت مطلق امروز ایران اقتصاد است. ایران ۷ سال است که تورم ۴۰ درصدی را تجربه می‌کند و امسال احتمالا به ۵۰ درصد می‌رسد. در شرایط تحریم حداکثر رشد اقتصادی ممکن ۲ درصد است آن هم در صورت مدیریت عالی و بدون فساد. بدون رفع تحریم‌ها و ارتباط گسترده با جهان، رشد اقتصادی ۸ درصدی و توسعه واقعی ممکن نیست».

مرعشی در ارزیابی عملکرد دولت پزشکیان گفت: «در مورد دولت چهاردهم و آقای پزشکیان باید بگویم، ایشان با شعارهای بزرگی آمدند- سیاست خارجی، وفاق ملی، رفع فیلترینگ و اصلاح فرهنگی- اما هنوز نتوانسته‌اند آنها را اجرایی کنند. علت این است که در زمان انتخابات، کاندیداها برای جلب رأی همه را می‌پذیرند اما پس از پیروزی، دولت‌ها به نظام فردی تبدیل می‌شوند. در حالی که در کشوری با ساختار معیوب، موفقیت تنها با نظام جمعی و مشارکتی ممکن است». او افزود: «من به آقای پزشکیان هم گفتم که اگر می‌خواهید، موفق باشید باید افراد بیشتری را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهید. همان‌طور که آقای روحانی با ترکیب سه عنصر اراده رئیس‌جمهور، تیم دیپلماسی قوی و حمایت رهبری برجام را پیش برد، آقای پزشکیان هم باید در سایر حوزه‌ها با همان الگو حرکت کند. اراده، مشورت با متخصصان و جلب حمایت رهبری سه پایه موفقیت است».

قدرت برای صلح

مرعشی در پاسخ به پرسشی درباره احتمال درگیری‌های جدید در منطقه، تأکید کرد: «در زمینه جلوگیری از جنگ و تنش‌های جدید هم سه نکته ضروری است: اول اینکه برای جلوگیری از یک جنگ دیگر لازم است، نقاط ضعف جنگ قبلی را شناسایی و در حوزه پدافند و تجهیزات نظامی، اصلاح و آنها را تقویت کنیم. ارتش و نیروهای مسلح ایران باید کاملا تقویت شده و هر آنچه نیاز دارند، تأمین شود. دوم اینکه در عرصه سیاست داخلی باید منافع کشور را بر منافع فردی ترجیح دهیم؛ امروز زمان کشمکش‌های بی‌حاصل نیست بلکه زمان انسجام ملی و همراهی و تقویت یکدیگر است. نباید اجازه دهیم این انسجام مخدوش شود. سوم اینکه فقط قدرت نظامی تنها عامل ثبات‌بخشی و دفع خطر جنگ نیست؛ دیپلماسی فعال هم حیاتی است. خود من با روندی که اکنون نظام در پیش گرفته و پاسخی که به نادانی و تدروی غرب نسبت به ایران می‌دهد کاملا موافقم ولی یادمان باشد که در نهایت باید به یک مصالحه بزرگ برسیم» و افزود: «آن مصالحه بزرگ خیلی روشن است؛ قدرت هم برای جنگ به کار می‌آید و هم برای صلح و بهتر است، قدرت ایران را برای صلح به کار ببریم. من به این عملکرد حماس در توافق اخیر اشاره می‌کنم؛ ببینید حماس خیلی خوب فهمید که کی باید آتش‌بس را بپذیرد و گروهان‌ها را آزاد کند و بسیار هوشمندانه عمل کردند. ما هم هر چقدر می‌خواهیم با صلابت برخورد کنیم، برخورد کنیم؛ اما یادمان باشد که در نهایت مصالحه است. ما باید به یک مصالحه برسیم که ان‌شاءالله پشتوانه امنیت و توسعه ایران باشد».

مرعشی در پایان نسبت به وضعیت اقتصادی کشور هشدار داد و گفت: «اگر روند فعلی ادامه یابد، آینده اقتصادی ایران نگران‌کننده است: تورم در ایران به حدود ۴۵ درصد رسیده و احتمالا به ۵۰ درصد می‌رسد. در شرایط تحریم، رشد اقتصادی بیش از ۳ درصد ممکن نیست. ایران ۷ سال است با تورم بالا و رشد پایین دست‌وپنجه نرم می‌کند و جامعه در آستانه فرسایش تحمل است». او تأکید کرد: «همان‌طور که امیرالمؤمنین فرمود باید به توان و ظرفیت مردم توجه کرد. اکنون این فشارها از طاقت مردم فراتر رفته است. بنابراین حداقل باید در سیاست‌ها و در به کارگیری نیروهای برجسته کشور، اصلاحاتی اساسی انجام شود تا بتوانیم مسیر رشد اقتصادی و توسعه را آغاز کنیم».

قدرت و مشروعیت حاکمیت ملی بدون حل بحران آب ممکن نیست. مدیریت پایدار منابع طبیعی، نشانه دولت عقلانی و کارآمد است. همان‌گونه که آب اساس تمدن ایرانی را شکل داد، ناتوانی در مدیریت آن می‌تواند بنیان دولت و جامعه را از درون فرسوده کند.

بحران آب نه فقط مساله‌ای فنی یا زیست‌محیطی بلکه چالش تمدنی ایران معاصر است. پارادایم فنی، پاسخ اضطرابی به کمبود است اما پارادایم توسعه پایدار، راه بقای تاریخی ایران است. انتخاب میان این دو پارادایم در واقع انتخاب میان آینده‌ای ناپایدار و آینده‌ای پایدار است. اگر سیاست‌گذاری آب در ایران به سمت احترام به طبیعت، اصلاح کشاورزی، بازچرخانی منابع و دیپلماسی منطقه‌ای حرکت کند، می‌توان بحران را به فرصت تبدیل کرد. در غیر این صورت، خشکی زمین، مهاجرت مردم و فرسایش مشروعیت، تصویری از آینده‌ای خواهد بود که می‌توانست هرگز رخ ندهد.

درخواست غرامت

در پی اعتراف ترامپ، ایران به شورای امنیت نامه فرستاد

گروه بین‌الملل: در پی اعتراف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده مبنی بر نقش مستقیم خود در تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران، فضای سیاسی و حقوقی در سازمان ملل متحد بار دیگر شاهد تنش و تقابل شدید میان تهران و واشنگتن شده است. امیرسعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در نامه‌ای رسمی به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت این اظهارات ترامپ را «اعترافی جنایتکارانه» توصیف کرد که «دلیلی روشن، دارای آثار حقوقی بین‌المللی و انکارناپذیر» بر مسئولیت مستقیم ایالات متحده در این حمله است. در این نامه، ابروانی تأکید کرده است که با توجه به اذعان رسمی رئیس‌جمهور آمریکا، واشنگتن و تل‌آویو به صورت کامل و مشترک مسئول تمامی عواقب و پیامدهای این حمله از جمله کشتار غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌ها و حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران هستند. به گفته او، این اقدام آشکارا مصداق «تجاوز نظامی» و نقض فاحش منشور سازمان ملل و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. نماینده ایران تصریح کرده است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس حقوق بین‌الملل، حق ذاتی خود را برای پیگیری تمامی مجاری قضایی و حقوقی در سطح جهانی محفوظ می‌داند و از تمامی ظرفیت‌های حقوقی برای تضمین پاسخ‌گویی کامل

ایالات متحده و دریافت غرامت در قبال تلفات انسانی، خسارات مادی و معنوی و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی استفاده خواهد کرد. اظهارات ابروانی در شرایطی مطرح شده که چندی پیش مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا، هرگونه نقش واشنگتن در حمله اسرائیل به ایران را به‌طور کامل رد کرده بود. رویو ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ اعلام کرده بود که این اقدام به صورت «یک‌جانبه» از سوی اسرائیل انجام شده و ایالات متحده در آن «دخالتی نداشته است». با این حال سخنان اخیر ترامپ که به صراحت گفته «من کاملاً مسئول آن بودم» عملاً روایت رسمی واشنگتن را زیر سؤال برده و نشان داده که کاخ سفید نه‌تنها در جریان حمله بوده بلکه هدایت آن را نیز بر عهده داشته است. در واکنش به این تناقض آشکار، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که ادعای وزیر خارجه آمریکا از ابتدا «دروغی آشکار» بوده است. او تأکید کرد: «از همان آغاز روشن بود که ایالات متحده در جنایت تجاوز اسرائیل علیه ملت ایران، مشارکت کامل داشته است. اکنون خود رئیس‌جمهور آمریکا با اذعان به نقش مستقیمش پرده از این دروغ برداشته است». بقایی این اظهارات ترامپ را «سندی غیرقابل انکار» بر دخالت مستقیم و همدستی فعال واشنگتن در

تجاوز اسرائیل علیه ایران دانست و افزود که این اعتراف، نه‌تنها مشروعیت ادعاهای قبلی مقامات آمریکایی را از بین برده بلکه عملاً به منزله پذیرش مسئولیت آمریکا در ارتکاب یک «عمل غیرقانونی بین‌المللی» است. به گفته او چنین اقدامی، نقض آشکار منشور سازمان ملل و اصول اساسی منع توسل به زور در روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رود.

از منظر حقوقی، اظهارات ترامپ می‌تواند، پیامدهای قابل‌توجهی برای ایالات متحده به همراه داشته باشد. کارشناسان حقوق بین‌الملل بر این باورند که اعتراف رسمی بالاترین مقام اجرایی آمریکا می‌تواند به‌عنوان «دلیل قاطع» در پرونده‌های بین‌المللی مورد استناد قرار گیرد و مسئولیت دولت آمریکا را از نظر حقوقی تثبیت کند. بر اساس اصول مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل هرگونه اقدام نظامی غیرقانونی علیه



یک کشور مستقل، در صورت اثبات، مستوجب پاسخ‌گویی و پرداخت غرامت است. در سطح سیاسی نیز این تحول می‌تواند، شکاف میان ایالات متحده و متحدانش را در سازمان ملل افزایش دهد. کشورهای مخالف سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه واشنگتن ممکن است از این فرصت برای طرح موضوع در شورای امنیت و فشار برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی بهره ببرند.

در نهایت، اعتراف ترامپ نه‌تنها ابعاد تازه‌ای از بحران ایران و اسرائیل را آشکار کرده بلکه بار دیگر موضوع مسئولیت بین‌المللی آمریکا در رفتارهای مداخله‌گرایانه‌اش را به صدر مباحث دیپلماتیک جهانی بازگردانده است. تهران اکنون بر این باور است که این اعتراف می‌تواند، نقطه عطفی در اثبات مشروعیت حقوقی مواضع خود و افشای چهره واقعی سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه باشد.

آژانس

هشدار هسته‌ای

گروسی از وقوع درگیری هسته‌ای ابراز نگرانی کرد

«رافائل گروسی» دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که «بعد هسته‌ای در روابط بین‌الملل شاهد افزایش قابل‌توجهی در سطح تنش‌هاست» و یکی از دلایل این وضعیت، اعلام «دونالد ترامپ» مبنی بر تمایل به از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای ایالات متحده است. این اظهارات پس از آن مطرح شد که روسیه نیز اعلام کرد، قصد دارد آزمایش‌های هسته‌ای خود را از سر بگیرد، چند روز پس از آنکه از توسعه یک موشک جدید خبر داده بود. گروسی گفت: «این وضعیت تأسفیب‌بار است اما واقعیت دارد... ما اکنون در لحظه‌ای از تاریخ قرار داریم که احتمال وقوع یک درگیری هسته‌ای کاملاً جدی است. حق داریم نگران باشیم اما نباید ناامید شویم». دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این فضای پرتنش را «بیشتر نوعی رقابت لفظی و جنگ بیانی برای ارسال پیام‌های سیاسی مهم» دانست و افزود: «ناباد فراموش کنیم که در حال حاضر میان روسیه و اوکراین جنگی جریان دارد و تمام این اظهارنظرها درباره توانمندی‌ها یا ضدتوانمندی‌های هسته‌ای بر آن تأثیر می‌گذارد». گروسی در ادامه یادآور شد که طبق معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مصوب ۱۹۶۸ تا ۵ کشور شامل فرانسه، بریتانیا، چین، ایالات متحده و روسیه به‌طور رسمی قدرت‌های هسته‌ای شناخته می‌شوند. با این حال او ابراز نگرانی کرد که «اقدامات این کشورها همچنین کشورهای دارای سلاح هسته‌ای خارج از چارچوب حقوقی بین‌المللی از جمله هند، پاکستان، کره شمالی و اسرائیل ممکن است سایر کشورها را ترغیب کند تا سیاست خودداری از دستیابی به سلاح هسته‌ای را مورد بازنگری قرار دهند. وی توضیح داد: «در چند دهه گذشته شاهد کاهش تعداد کلاهک‌های هسته‌ای بودیم اما این روند به‌طور ناگهانی متوقف شد و اکنون شاهد معکوس شدن آن هستیم... ما وارد مرحله‌ای از تشدید رقابت نظامی راهبردی شده‌ایم که بعد هسته‌ای آن بسیار برجسته است». گروسی در پایان گفت: «ما حق داریم نگران باشیم اما نباید ناامید شویم. اگر از ابزارهای دیپلماتیکی که وجود دارند، استفاده کنیم از جمله رژیم‌های منع گسترش فعالیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در صورت لزوم نقش سازمان ملل، می‌توانیم از وقوع بدترین سناریوها جلوگیری کنیم».



خاورمیانه

آزمون بزرگ

سازندگی در آستانه انتخابات پارلمانی عراق بررسی می‌کند، آیا منطقه در آستانه تحول است؟

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



عراقی‌ها در آستانه یک دوره انتخابات پارلمانی قرار دارند که در زمانی حساس برای خود کشور و منطقه برگزار می‌شود. به گزارش آسوشیتدپرس، روند رأی‌گیری از روز یک‌شنبه آغاز می‌شود؛ در این دوره نیروهای امنیتی و نیز آوارگانی که در اردوگاه‌ها اسکان دارند، امکان شرکت در انتخابات را خواهند داشت و رأی‌گیری سراسری برای روز سه‌شنبه برنامه‌ریزی شده است. نتیجه این انتخابات مشخص خواهد کرد که آیا محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر کنونی، موفق به حفظ کرسی خود برای یک دوره دیگر خواهد شد یا خیر. این انتخابات هم‌زمان با نگرانی‌ها درباره احتمال تشدید درگیری میان اسرائیل و ایران برگزار می‌شود و بیم آن می‌رود که اسرائیل با ایالات متحده، حمایتی علیه گروه‌هایی که از سوی ایران حمایت می‌شوند در خاک عراق انجام دهند. بغداد تلاش دارد میان تهران و واشنگتن، تعادل حساسی برقرار کند، در حالی که فشارهای آمریکا بر کاهش نفوذ و فعالیت گروه‌های مقاومت افزایش یافته است.

چارچوب نظام انتخاباتی

این دور، هفتمین انتخابات پارلمانی پس از تهاجم آمریکا در سال ۲۰۰۳ است که به سرنگونی صدام حسین انجامید. پس از سقوط رژیم صدام، خلا امنیتی گسترده‌ای ایجاد شد که عراق را وارد دوره‌ای طولانی از درگیری‌های داخلی و خشونت کرد و زمینه را برای ظهور گروه‌های افراطی از جمله داعش فراهم ساخت. هرچند در سال‌های اخیر سطح خشونت تا حد زیادی فروکش کرده، دغدغه‌های اصلی مردم اکنون معطوف به کمبود فرصت‌های شغلی و ضعف خدمات عمومی است؛ از جمله قطعی‌های مکرر برق با وجود ذخایر بزرگ انرژی. بر اساس قانون ۲۵ درصد از ۳۲۹ کرسی پارلمان به نمایندگان زن اختصاص دارد و ۹ کرسی نیز به اقلیت‌های مذهبی تعلق می‌گیرد. همچنین سنت تقسیم قدرت پس از ۲۰۰۳ پابرجاست؛ ریاست پارلمان معمولاً به یک سنی، نخست‌وزیری به یک شیعه و ریاست جمهوری به یک نماینده کرد سپرده می‌شود. میزان مشارکت رأی‌دهندگان در سال‌های اخیر کاهش یافته است. در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱ میزان مشارکت به ۴۱ درصد رسید که نسبت به ۴۴ درصد در سال ۲۰۱۸ نزولی بود. از حدود ۳۲ میلیون واجد شرایط، تنها ۲۱.۴ میلیون نفر اطلاعات خود را به‌روز کرده

و کارت رأی دریافت کرده‌اند؛ این رقم کمتر از حدود ۲۴ میلیون ثبت‌نام شده در انتخابات ۲۰۲۱ است. بر خلاف دوره‌های گذشته این بار هیچ صندوق رأی در خارج از کشور برپا نخواهد شد.

بازیگران و رقبا

در این انتخابات ۷۷۴۴ نامزد ثبت‌نام کرده‌اند که عمدتاً وابسته به احزاب فرقه‌ای‌اند اما شماری نامزد مستقل نیز حضور دارند. ائتلاف‌های شیعی به رهبری نوری المالکی و عمارالحکیم و چند گروه مرتبط با تشکل‌های مسلح از بازیگران مهم هستند. در صف اهل سنت، جناح‌هایی به رهبری محمد الحلبوسی، رئیس سابق پارلمان و محمود المشهدانی، رئیس فعلی پارلمان، فعال‌اند. همچنین دو حزب عمده کرد- حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان- در میدان رقابت حضور دارند. چند گروه شبه‌نظامی شیعه که رابطه نزدیکی با ایران دارند از طریق احزاب وابسته در انتخابات شرکت کرده‌اند؛



برای نمونه کتائب حزب‌الله با ائتلاف «حرکت حقوق» و بلوک «صادقون» به رهبری قیس الخزعلی از جمله این بازیگران‌اند. با این حال یکی از جریان‌های اثرگذار این بار کنار کشیده است: جریان صدر به رهبری مقتدی صدر، روند رأی دادن را تحریم کرده است. این جریان که در انتخابات ۲۰۲۱ بیشترین کرسی‌ها را به دست آورده بود پس از ناکامی در مذاکرات تشکیل دولت و بن‌بست سیاسی با دیگر تشکل‌های شیعه از فرآیند سیاسی کنار گرفت. منطقه شهرک صدر در حاشیه بغداد که نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت پایتخت را دربرمی‌گیرد همواره نقش مهمی در توازن قوای شیعی داشته است؛ با این حال در روزهای پیش از انتخابات، خیابان‌های این منطقه که معمولاً پرتحرک تا حد زیادی خالی از تبلیغات انتخاباتی است و تنها تابلوهایی محدود با فراخوان به تحریم دیده می‌شود. گروه‌های اصلاح‌طلبی که پس

از اعتراضات گسترده اکتبر ۲۰۱۹ پدید آمدند در انتخابات شرکت کرده‌اند؛ اما به دلیل اختلافات داخلی، محدودیت منابع و فقدان حمایت گسترده سیاسی، توان تأثیرگذاری بالایی ندارند.

ابهام‌ها درباره روند رأی‌گیری

پیش از برگزاری انتخابات، گزارش‌هایی درباره فساد و خرید آراء منتشر شده است. همچنین ۸۴۸ نامزد به دلایل مختلف از سوی هیات‌های انتخاباتی رد صلاحیت شده‌اند؛ از جمله اتهاماتی مثل «اهانت به مناسک دینی» یا «توهین به نیروهای مسلح». تاریخچه انتخابات در عراق نشان‌دهنده دوره‌هایی از خشونت سیاسی است؛ از ترور نامزدها تا حمله به حوزه‌های رأی‌گیری و نزاع میان هواداران جناح‌ها. هرچند خشونت کلی کاهش یافته اما در آستانه این انتخابات نیز یک نامزد هدف قتل قرار گرفت. در ۱۵ اکتبر، صفاء المشهدانی، عضو شورای استان بغداد و نامزد حوزه الطامیه در شمال پایتخت در انفجار خودروی بمب‌گذاری شده، کشته شد. ۵ نفر در ارتباط با این حادثه بازداشت شده‌اند و پرونده تحت بررسی به‌عنوان اقدام تروریستی قرار دارد.

آینده السودانی

محمد شیاع السوداني در سال ۲۰۲۲ با حمایت گروه‌هایی که پیوندهایی با ایران دارند به نخست‌وزیری رسید و از آن زمان سعی کرده بین تهران و واشینگتن تعادلی برقرار کند و خود را سیاستمداری متمرکز بر بهبود خدمات عمومی نشان دهد. اگرچه دوره نخست‌وزیری او همراه با ثبات نسبی بوده، راه رسیدن به دوره دوم هموار نیست؛ از سال ۲۰۰۳ تاکنون تنها نوری المالکی توانسته دو دوره نخست‌وزیر باقی بماند. نتیجه انتخابات به‌تنهایی تعیین‌کننده بقا یا کنار رفتن السودانی نخواهد بود؛ در دوره‌های گذشته نیز پیروزی ائتلاف‌ها همیشه به انتخاب نخست‌وزیر مورد نظرشان منجر نشده است. السودانی با چالش‌هایی در درون «چارچوب هماهنگی شیعی» که به او در به دست آوردن قدرت کمک کرد، مواجه است و از سوی دیگر با فشارهای آمریکا درباره مهار گروه‌های شبه‌نظامی روبه‌روست. یکی از موضوعات اختلاف‌برانگیز آینده نیروهای بسیج مردمی (الحشد الشعبی) است؛ ائتلافی که برای مقابله با داعش شکل گرفت، در سال ۲۰۱۶ رسماً زیرمجموعه ارتش شد ولی عملاً استقلال زیادی حفظ کرده است. اعضای الحشد الشعبی به همراه نیروهای ارتش و دیگر نهادهای امنیتی در فرآیند رأی‌گیری شرکت خواهند کرد.

ویترین: تازه‌های کتاب

تلاقی درد و فلسفه

خطا بر قلم صنع؟ دفاعیه‌ای اخلاقی از ایمان در برابر جدی‌ترین چالش فکری بشر است



«خطا بر قلم صنع؟: خدای اخلاقی و شرور گراف» عنوان کتابی است، نوشتهٔ حسین سخنور که توسط نشر طه منتشر شده است. این اثر با تکیه بر استدلال و نگاهی نوآورانه، خود را نه تنها به عنوان یک متن آکادمیک در حوزه فلسفهٔ دین بلکه در دفاع از ایمان در برابر یکی از کهن‌ترین و جدی‌ترین چالش‌های فکری بشر یعنی «مسأله شر» مطرح می‌سازد. نویسنده، کتابش را به «معلم درد و دین، علی شریعتی» تقدیم کرده است. این تقدیم یک ارجاع صرف نیست بلکه ترسیم‌گر جهت‌گیری فکری نویسنده است. نکته قابل توجه و متناقض‌نمای دیگر هم‌نشینی نام علی شریعتی و سهراب سپهری در کتاب است. پیش از شروع کتاب، نقل قول مرتضی از نامه‌های سهراب سپهری آمده است که «دنیا پر از بدی است. و من شقایق تماشا می‌کنم. روی زمین، میلیون‌ها گرسنه است. کاش نبود. ولی وجود گرسنگی، شقایق را شدیدتر می‌کند... در تاریکی، آفتد ماندام که از روشنی حرف بزنم.» اما همه این‌ها یعنی آن‌که فلسفه پیگیری شده در «خطا بر قلم صنع؟» فلسفه‌ای است که از برج عاج انتزاعات صرف فاصله گرفته و دل در گرو رنج‌های روزمره و دغدغه‌های وجودی انسان معاصر دارد. نویسنده، مسأله شر را نه فقط یک «معمای منطقی» در کتاب‌های مرجع و درسی بلکه «چهارراهی» می‌داند که متافیزیک، معرفت‌شناسی، اخلاق و فلسفهٔ دین در آن به هم می‌رسند و امروز حتی پای روان‌شناسی را نیز به میان کشیده است.

کوششی دغدغه‌مند در قالب فلسفه انضمامی

بن‌مایه اصلی کتاب در واقع، ریشه در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده در رشتهٔ فلسفهٔ دین دارد و در مقدمه کتاب ذکر شده حسین واله، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی، با تدریس این واحد، «مسأله شر» را به یک دغدغه برای نویسنده تبدیل کرده است. یکی از قابل توجه‌ترین وجوه این کتاب، توجه نویسنده به جنبهٔ وجودی و تجربی شر است. مسائلی چون زلزله لیبسون در قرن هجدهم و ویروس کرونا در قرن بیست‌ویکم به عنوان «نقاط عطف» و «نمونه‌های عالم‌گیر» برای مسأله شر مطرح می‌شود و با یادآوری سؤالات رایج مردم در دوران شیوع کرونا (چرا خدا شر این ویروس را از سر ما کم نمی‌کند؟) نشان داده می‌شود که این بحث از درون زندگی مردم، از متر و اتویوس‌های شلوغ و از کنار رنج‌دیدگان زلزله و سیل برآمده است. این دغدغه زیسته‌شده، کتاب را از یک اثر صرفاً نظری به متنی تبدیل می‌کند که هم به دغدغه فیلسوفان و هم به درد مردم عادی پاسخ می‌دهد.

در انداختن طرحی نو با اخلاق فلسفی

این کتاب به جدی‌ترین بخش چالش شر، یعنی نسبت «شرور گراف (Gratuitous Evil)» و «خدای اخلاقی» می‌پردازد. مسأله شرور گراف، قلب تپنده برهان استقرایی (احتمالاتی) شر است. ملحدان معتقدند حتی اگر برای شرهای بزرگی چون جنگ‌ها و خونریزی‌ها پاسخی مانند دفاع از اختیار وجود داشته باشد، وجود شرهایی که هیچ خیر بزرگ‌تری در پی ندارند و کاملاً بی‌وجه (Gratuitous) هستند مانند رنج یک آهو در بیابان (مورد معروف بامبی) با وجود خدای مطلقاً خیر‌خواه و عالم در تعارض جدی است. نویسنده به جای تکرار پاسخ‌های الهیاتی و منطقی مرسوم، راهی متفاوت و کمتر پیموده شده را برمی‌گزیند: بررسی مسأله شرور طبیعی از منظر سه مکتب عمدهٔ اخلاق فلسفی. این رویکرد یک تیر با دو نشان است: زیرا بسیاری از تفدهای ملحدان به وجود خدا، مبتنی بر یک «برآورد اخلاقی» است و خدای ادیان را به دلیل اجازه بروز شرور، «غیر اخلاقی» قلمداد می‌کنند. کتاب با برون این مسأله به درون دستگاه‌های اخلاقی، نشان می‌دهد این «برآورد اخلاقی» خود چقدر متزلزل است و در واقع درون هر مکتب اخلاقی، شر مسأله‌ای ندارد و خدا تصمیم و عملی غیر اخلاقی نگرفته است.

تحلیل از سه پرده اخلاقی

ساختار کتاب یک مدل تحلیلی خاص است که خواننده را در پنج فصل، گام‌به‌گام به سمت نتیجه دفاعی خود هدایت می‌کند. فصل

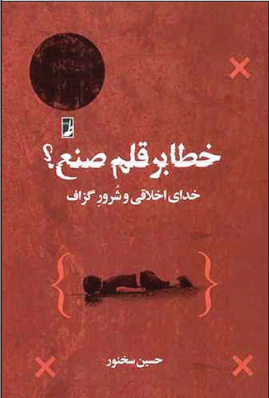
سوم با عنوان «بررسی شرور طبیعی از منظر اخلاقی پیامدگرایی» به تحلیل مسأله شرور طبیعی در دستگاه اخلاق پیامدگرایی (Con-sequentialism) (مانند فایده‌گرایی) می‌پردازد. در این مکتب، درستی یک عمل کاملاً وابسته به نتیجه و بیشترین میزان خیر است. نویسنده نشان می‌دهد، مدافعان برهان شرور گراف (مانند ویلیام راو) به دنبال این هستند که نشان دهند، شرهایی وجود دارند که هیچ خیر بزرگ‌تری در پی ندارند. اما نویسنده با تکیه بر اصول پیامدگرایی استدلال می‌کند: اگر خدای مطلقاً قادر و خیرخواه وجود داشته باشد، عمل او (اجازه بروز شر) باید منتج به خیر بیشتری در مجموع باشد و چون ما از تمام پیامدها و نتایج غایی یک شر (مانند زلزله) در آینده آگاه نیستیم، نمی‌توانیم با اطمینان حکم کنیم که آن شر قطعاً گراف و بدون نتیجه خیر است. در نتیجه، ادعای وجود شرور گراف که تماماً منتفی‌کننده خیر باشند، در دستگاه پیامدگرایی، ادعایی قاطع و اثبات شده، نیست. این به معنی موفقیت کتاب در خلع سلاح کردن برهان استقرایی شر از منظر همین دستگاه اخلاقی است.

در فصل چهارم کتاب، وظیفه‌گرایی (Deontology) و حل مسأله اخلاقی شر مورد توجه قرار گرفته و این فصل، یکی از برجسته‌ترین و فنی‌ترین بخش‌های کتاب است. در ابتدا ذکر می‌شود که در این مکتب، عمل درست به خودی خود (Duty) مقدم بر خوبی (Good) است و بعد، بحث به حوزه اخلاق امر الهی (Divine Command Theory) کشیده می‌شود که زیرمجموعه‌ای از اخلاق وظیفه محسوب می‌شود. سخنور، انواع وابستگی اخلاق به دین (مانند کانت، اشاعره، کاتولیسیسم) را بررسی می‌کند و نهایتاً استدلال می‌کند در اخلاق امر الهی، معیار خوبی و بدی، اراده و امر خداوند است. بر این اساس، اگر خدا امری را صادر کند یا اجازه پدیده‌ای را بدهد (مانند شر) آن پدیده ذاتاً «بد» یا «غیر اخلاقی» نخواهد بود زیرا خداوند خود واضع این قوانین اخلاقی است. نویسنده نتیجه می‌گیرد «مسأله شر» تنها با فرض استانداردهای اخلاقی بشری (غیردینی) مطرح می‌شود و در دایرهٔ اخلاق امر الهی به «مسأله تحمل» تبدیل می‌شود. این یک عقب‌نشینی استراتژیک و قاطع برای مدافعان برهان شر است.

در ادامه بررسی مساله شر از منظر مکاتب اخلاقی فضیلت‌گرایی (Virtue Ethics) و دغدغه وجودی شر مطرح می‌شود. این مکتب تمرکز را از «درستی عمل» به «نیکی فاعل» و «پرورش شخصیت» انتقال می‌دهد و نویسنده در اینجا مسأله را در دو سطح می‌کاود: اخلاق فضیلت‌خدایی و اخلاق فضیلت انسانی.

یک دفاعیه مستدل و یک گام به جلو

در مجموع کتاب «خطا بر قلم صنع» را می‌توان یک دفاعیه (Defense)، در برابر برهان شرور گراف دانست. نویسنده با تسلط بر ادبیات فلسفهٔ دین معاصر (از پلانتینگا و راو گرفته تا مکی و ویکسترا) و با گشودن دریچه اخلاق فلسفی، نه تنها نشان می‌دهد پرسش‌های خداباوران در این میدان پخته‌تر و سنجیده‌تر شده است بلکه به شکلی متقاعدکننده نتیجه می‌گیرد که ریشه اصلی تفدهای اخلاقی ملحدان به خدا، از منظر همان اصول اخلاقی که خودشان به آن پایبند هستند نیز قابل دفاع و توجیه است.



خطا بر قلم صنع؟

خدای اخلاقی و شرور
گراف

حسین سخنور

نشر طه

۱۲۸ صفحه

۱۸۵۰۰۰ تومان

شب ایران

اجرای کنسرت خیابانی مصطفی راغب، حامد همایون، میثم ابراهیمی پرواز همای و ارکستر سمفونیک تهران

مراسم رونمایی از مجسمهٔ جدید میدان انقلاب با عنوان «زانو‌زنندگان در برابر ایران» جمعه ۱۶ آبان با اجرای خیابانی چهار خواننده و ارکستر سمفونیک تهران برگزار شد. میدان انقلاب برای ساعتی رنگ دیگری گرفت؛ صدای موسیقی در میان ازدحام مردم پیچید و مجسمه‌ای تازه از دل تاریخ ایران قد برافراشت تا روایت‌گر غرور و شکوه این سرزمین کهن باشد. ویژه برنامه «شب ایران» با اجرای کنسرت خیابانی و رایگان خوانندگان؛ مصطفی راغب، حامد همایون، میثم ابراهیمی، پرواز همای و ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نصیر حیدریان شامگاه جمعه با حضور علیرضا زاکانی شهردار تهران، حجت‌الاسلام محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و تعدادی دیگر از مسولان و حضور پرشور مردم در میدان انقلاب تهران برگزار شد. این ویژه‌برنامه با شعار «مقابل ایران دوباره زانو می‌زند» به مناسبت رونمایی از مجسمهٔ «زانو‌زنندگان برابر ایران» به عنوان نمادی از ایستادگی، همبستگی و هویت تاریخی ملت ایران برگزار شد، این مجسمه که توسط پیام قانع با ارتفاع ۷ متر ساخته شده است، بازتابی از صحنه‌ای تاریخی است که وال‌رین امپراتور روم پس از شکست در برابر ایران زانو زد؛ واقعه‌ای که نماد ایستادگی و عظمت ملت ایران در برابر سلطه‌گران در طول تاریخ به شمار می‌رود. نورافشانی و پخش آثار نمایشی برای بازآفرینی جلوه‌های حماسی تاریخ ایران از دیگر بخش‌های این برنامه بود همچنین نمایشگرهایی در محیط پیرامون میدان انقلاب نصب شده بود و تصویر پرچم کشورمان به نمایش گذاشته شده بود.

غیبت، تاخیر و ناهماهنگی

پیش از این اعلام شده بود که گرشا رضایی، خوانندهٔ موسیقی پاپ برای برگزاری کنسرت در این برنامه حضور خواهد داشت اما این خواننده در برنامه حضور پیدا نکرد.

در حالی که مردم منتظر آغاز مراسم بودند به علت تأخیر در هماهنگی نوازنده‌ها، خواننده‌ها و فرایند تنظیم سیستم صوتی، قطعهٔ «علاج»

فیلم‌مستند

محسن چاوشی پخش شد، هر چند که برخی از مردم با انتقاد از تأخیر در برگزاری برنامه و برودت هوا محل برنامه را ترک کردند. برخی نیز اعلام کردند که برنامه «شب ایران» در یک هفته اخیر از طریق ارسال پیامک به شهروندان اطلاع‌رسانی شده و برای برگزاری این برنامه از یک ماه گذشته برنامه‌ریزی شده اما تأخیر در برگزاری و حل نشدن مشکلات فنی، قابل پذیرش نیست. با وجود این انتقادات، برنامه با حدود ۵۰ دقیقه تأخیر از زمان اعلام شده (ساعت ۱۸) با شمارش معکوس از عدد ۷۲ ثانیه آغاز شد. برنامه با تلاوت قرآن کریم و پخش سرود ملی با همخوانی مردم با این سرود به صورت رسمی آغاز شد. واشقانی مجری در بخش‌هایی از برنامه، داستان‌هایی از شاهنامه، جنگ‌آوری پهلوانان، سرداران و مدافعان کشورمان را بیان می‌کرد و تصاویر و فیلم‌هایی از جنگ‌آوری آنان نیز در نمایشگر به نمایش گذاشته می‌شد.

همه ما فارغ از هنر نوع عقیده، عاشق کشورمان هستیم همچنین در بخش‌هایی از برنامه، خوانندگان قطعاتی را با مضمون ایران برای مخاطبان اجرا می‌کردند، مصطفی راغب، خوانندهٔ موسیقی پاپ به عنوان نخستین خواننده در صحنه حضور پیدا کرد.

آمدیم تا برای ایران بخوانیم

راغب ضمن عذرخواهی بابت تاخیر در برگزاری برنامه خطاب به مخاطبان گفت: «خیلی خوشحال هستم که شما را اینجا می‌بینم و امیدوارم همیشه حال دلتان خوب باشد، شاد باشید و بخندید و همیشه پرچم کشورمان سرافراز باشد. همه ما فارغ از ایده‌ها، عقیده‌ها و همه نوع پوشش‌ها، عاشق کشورمان هستیم هر چند که خیلی از ما به دلیل مشکلات اقتصادی و مشکلات دیگری که در جامعه وجود دارد شاید در شرایط سختی باشیم اما امشب گروه‌م آمدیم تا برای ایران بخوانیم و حال دلمان خوب باشد.» او سپس قطعهٔ «چو ایران مباشد تن من مباد/ در این بوم و بر زنده یک تن مباد/ همه سر بسر تن به کشتن دهیم/ به از آن‌که کشور به دشمن دهیم» با شعری از فردوسی را با همراهی ساز ویولن

تجربه حسی تازه

مستند آواز باد به زندگی استاد تنبورنواز کرمانشاهی می‌پردازد

وضعیت و شیوه زندگی این استاد اطلاعات بیشتری به دست پیاوریم و از سوی دیگر احساسات مخاطبان را هم درگیر کرده است. مستند درباره روزهای بیماری استاد است و تا بعد از درگذشتش ادامه پیدا می‌کند. از این جهت روایت پگاه باعث شده، دیدی همه‌جانبه به زندگی این استاد داشته باشیم.



مستند «آواز باد» دومین تجربه کارگردانی سودابه بیضایی، بازیگر و فیلم‌ساز است. بیضایی در این مستند به زندگی طاهر یاروییسی، استاد تنبور کرمانشاهی پرداخته که شاگردان بسیاری از تهران و سایر شهرها از او تنبور آموخته‌اند. یاروییسی یکی از مهم‌ترین مراجع موسیقی مقامی تنبور شناخته می‌شود و زندگی خودش را وقف نوازندگی کرد. بیضایی در این فیلم مستند به جای تمرکز روی زندگی یاروییسی، تمرکز اصلی را روی زندگی دختر جوانی به اسم پگاه گذاشته؛ یکی از شاگردان استاد یاروییسی که او را مثل پدرش می‌دانسته و تا لحظه مرگ او را همراهی کرده است. ساخت این مستند دو سال طول کشیده است.

بیضایی پیش از این مستندی ساخته بود به نام «مثل اسمم پگاه» در مورد معضلات جوانان دهه هفتادی در جامعه با موضوع مواد مخدر که در دوازدهمین دوره جشن مستند خانه سینما، جایزه بهترین فیلم مستند بلند را دریافت کرد.

در این مستند، پگاه دختر جوانی است که در تهران زندگی می‌کند. او نوازنده تنبور است، زبان انگلیسی تدریس می‌کند و گاهی نقاشی می‌کشد. او منزوی و گوشه‌نشین است و تقریباً با جامعه قطع ارتباط کرده است. او از طریق یکی از دوستانش با استاد طاهر یاروییسی آشنا می‌شود. او جایی در فیلم می‌گوید: انگار جایی رفتم که مدت‌ها بود، دلم برایش تنگ شده بود. پگاه از بدو ورود شیفته شخصیت و نوع زندگی طاهر یاروییسی می‌شود و مدتی با او و همسرش زندگی می‌کند و انگار می‌تواند در این مسیر به زندگی‌اش معنا ببخشد. در واقع محور اصلی این مستند، زندگی طاهر یاروییسی است که سال ۱۳۹۹ در شهر گهواره استان کرمانشاه به دنیا آمده و سال ۱۳۹۸ از دنیا رفته است. این مستند از نقطه‌نظر دختری به نام پگاه روایت می‌شود که در سال‌های آخر زندگی استاد طاهر، مدام همراهش بوده و با او تمرین تنبور می‌کرده است. در واقع انتخاب این راوی از یک سو باعث شده، بتوانیم درباره



سال هشتم شماره ۲۱۰۸
یک‌شنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۴

گزارش: سینمای ایران

خط قرمزی نداشتیم

دبیر جشنواره فیلم شهر وجود هرگونه خط‌کشی سیاسی را رد کرد



گلاویز نادری

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

نشست خبری نهمین جشنواره فیلم شهر در پردیس سینمایی ملت برگزار شد و مریم پیرکاری، دبیر این رویداد از احتمال حضور فیلم «نیم شب» محمدحسین مهدویان در این جشنواره خبر داد.

پیرکاری در ابتدای این نشست گفت: جشنواره فیلم شهر یک رویداد دوسالانه بود و ما باید جشنواره را سال ۱۴۰۳ برگزار می‌کردیم اما به دلیل شهادت رئیس‌جمهور، شهادت اسماعیل هنیه و سیدحسن نصرالله ما این جشنواره را با یک سال تاخیر برگزار کردیم. تهران پس از جنگ ۱۲ روزه، معنایی بیشتر از شهر و پایتخت ایران پیدا کرد و به نظر به این جشن نیاز داشتیم. در جشنواره فیلم شهر بخش سینمای ایران، بین‌الملل، پویانمایی و مستند را داریم. همچنین برای اولین بار حدود ۳۱۹ اثر به عنوان طرح و فیلمنامه با موضوعاتی خاص به دبیرخانه جشنواره ارسال شد. در بخش سینمای ایران مانند ادوار گذشته، فیلم‌های اکران شده سینما حضور دارند.

دبیر رویداد تصریح کرد: ما نمایش آثار را در پردیس سینمایی ملت خواهیم داشت. همچنین نمایشگاه ویژه کتاب درباره موضوعات شهری و پیوند شهر و سینما برگزار خواهد شد. گالری و مسابقه عکس نیز در ایام جشنواره برگزار می‌شود همچنین تجلیل و بزرگداشت‌هایی هم برگزار خواهد شد. به گفته پیرکاری داوران بخش سینمای ایران محسن برمهانی، فرهاد توحیدی، روح‌الله سهرابی، سعید صدرایان، محمود کلاری، پریوش نظریه و محمدرضا ورزی هستند.

دبیر جشنواره درباره ارائه تسهیلات ساخت به طرح‌ها و فیلمنامه‌های منتخب گفت: فیلمنامه‌هایی که طرح و خود فیلمنامه انتخاب شوند توسط تصویر شهر خریداری می‌شوند و در شورهایی در تصویر شهر، تسهیلاتی برای ساخت این آثار ارائه می‌شود.

وی اظهار کرد: ما در بخش بین‌الملل ۱۲ فیلم از کشورهای گرجستان، تاجیکستان، هند، فرانسه، ترکیه، آذربایجان، عراق، روسیه و چین داریم.

دبیر جشنواره در پاسخ به پرسش سازندگی درباره تولیدات سینمایی موسسه تصویر شهر و کارکرد این جشنواره در سینمای ایران توضیح داد: ما امسال از افرادی همچون منوچهر محمدی، مجید مجیدی، محمدحسین مهدویان و رسول صدرعاملی فیلم داریم. امسال ۵۰ فیلم کوتاه در حوزه ترافیک ساختیم و در جشنواره نیز بخش ترافیک داریم. همچنین در حوزه آسیب‌های اجتماعی مستند ساختیم. احتمال دارد که با انجام مذاکراتی با آقای والی‌نژاد، فیلم «نیم شب» آقای مهدویان برای اولین بار در جشنواره فیلم شهر اکران شود. رویکرد من در جشنواره فیلم شهر این بوده که بسیار سخت پول خرج می‌کنم و برای خودم بسیار مهم است که برگزاری جشنواره فیلم شهر، آورده‌ای برای ما داشته باشد و صرفاً یک رویداد برگزار نکنیم.

پیرکاری درباره تبلیغات جشنواره برای مردم عادی گفت: جشنواره شهر به صورت رایگان برگزار می‌شود

و شهروندان نیاز به خرید بلیت ندارند. در این رویداد، فیلم‌های اکران شده مورد بررسی قرار می‌گیرد و شاید برای مخاطبان جذاب نباشد که این آثار را یک بار دیگر در سینما ببینند. ما دوست داشتیم در فرهنگسراها یا بوستان‌ها، اکران سیار داشته باشیم اما به دلیل هوای سرد نتوانستیم این ایده را اجرایی کنیم. امسال دوست داشتیم، افتتاحیه یا اختتامیه جشنواره را در ۱۴ مهر (روز تهران) برگزار کنیم اما به دلیل ثابت بودن تاریخ جشنواره فیلم کودک و نوجوان این اتفاق رخ نداد.

وی درباره خط قرمز انتخاب آثار بیان کرد: من خط قرمزی در انتخاب آثار نداشتم و هیچ دخالتی در کار داوران و هیات انتخاب نکردم.

پیرکاری درباره رویکردش نسبت به آثاری که عملکرد شهرداری را نقد می‌کردند، توضیح داد: من متوجه خط‌کشی‌های سیاسی نمی‌شوم. ما از طیف‌های مختلفی فیلم دریافت کردیم. نکته جالب اینکه هیچ فیلمی، شهرداری تهران را نقد نکرد و حتی داوران گاهی متوجه نمی‌شدند که یک فیلمی، تولید تصویر شهر است.

پیرکاری اظهار کرد: تمام فیلم‌هایی که از سال ۱۴۰۱ اکران شدند مورد بررسی داوران جشنواره قرار گرفتند و اگر فیلمی در جشنواره نباشد احتمالاً به دلیل مغایرت‌های آیین‌نامه‌ای بوده است. دوست داشتم، بخشی را برای آثاری در نظر بگیریم که مانند «قاتل و وحشی» امکان اکران در سینماها را ندارند اما احساس کردم شاید این مساله باعث شود که جشنواره فیلم شهر از مسیر اصلی خود منحرف شود.

وی درباره احتمال اکران سینما ماشین بیان کرد: اکران سینما ماشین را حتما بررسی می‌کنیم و اگر اطلاع‌رسانی خوبی انجام شود قطعاً شهروندان نیز از این اتفاق استقبال می‌کنند. پیرکاری درباره مهمانان بین‌الملل گفت: ما ۵ مهمان بین‌الملل داریم و در جشنواره فیلم شهر، مهمانان ما دستمزدی دریافت نمی‌کنند و فقط یک هدیه دریافت می‌کنند. امسال آثار بیشتری از کشورهای همسایه دریافت کردیم تا هم حس همدلی ایجاد کنیم و هم بتوانیم به سمت تولیدات مشترک با دیگر کشورها حرکت کنیم. همچنین از طرفی حضور مهمانان بین‌الملل پس از جنگ ۱۲ روزه، چهره خوب و آرامی از ایران به دیگر کشورها به خصوص کشورهای همسایه ارائه می‌کند.

دبیر جشنواره درباره بخش آثار کوتاه گفت: ۵۰ فیلم کوتاه تولیدی ما بعد از جشنواره در تلویزیون، مترو و پیش از اکران فیلم‌ها در سینماهای تصویر شهر پخش خواهد شد. همچنین امکانی برای شهروندان ایجاد می‌شود تا بتوانند در اپلیکیشن شه‌زاد این فیلم‌های کوتاه را تماشا کنند. در پایان نشست خبری نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم شهر، یکی از خبرنگاران با انتقاد از عملکرد علیرضا زاکانی، شهردار تهران، عنوان «مردمی» برای این جشنواره را در تضاد با عملکرد شهرداری دانست و گفت: عملکرد شهرداری در دوره مدیریت فعلی بیشتر خشم مردم را به همراه داشته تا همراهی مردم. از جمله قطع درختان تهران که از چشم کسی پوشیده نیست.

مریم پیرکاری، دبیر جشنواره، در پاسخ به این انتقاد گفت: عملکرد شهردار تهران به من ارتباطی ندارد و من تنها در بخش سینمایی شهرداری می‌توانم، پاسخگو باشم.



خواند. «هوای عشق» قطعه دیگری بود که راغب در این برنامه اجرا کرد و برخی از مخاطبان نیز با این قطعه همخوانی کردند.

هم‌خوانی ای ایران

در بخش بعدی برنامه «شب ایران» ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نصیر حیدریان در صحنه حضور پیدا کرد و قطعه‌های «رقص دایره» اثر حشمت سنجرى و «ای ایران» اثر روح‌الله خالقی را به صورت بی‌کلام اجرا کرد. تنظیم سیستم صوتی برای ارکستر سمفونیک بسیار نامناسب بود و در اجرای قطعه «رقص دایره» تنها صدای سازهای کوبه‌ای شنیده می‌شد و صدای سایر سازها، قابل تشخیص نبود همچنین در اجرای قطعه «ای ایران» نیز این روند ادامه داشت اما برخی از مخاطبان با این قطعه همخوانی کردند. «ای ایران» با شعر زندیاد حسین گل‌گلاب، آهنگ‌سازی زندیاد روح‌الله خالقی و خوانندگی زندیاد غلامحسین بنان از مشهورترین و محبوبترین سرودهای میهن‌پرستانه و ملی‌گرایانه ایران است که به ثبت ملی رسیده است و توسط خوانندگان بسیاری بازخوانی شده است. بخش دیگری از این برنامه به اجرای حامد همایون، خواننده موسیقی پاپ اختصاص داشت. او پس از حضور در صحنه در سخنانی خطاب به مخاطبان گفت: «خیلی خوشحال هستم که شما را می‌بینم، امیدوارم که سالم و سلامت باشید، ایرانی بودن فقط در این نیست که ما در گذرنامه خود یک اسم ایرانی داشته باشیم، ایرانی بودن یک عشق است که از کودکی در وجود همه ماست. همایون سپس قطعه‌های «چنین کنم چنان کنم» و «مجنون» را خواند، هر چند که این قطعات به صورت

پلی بک اجرا شد با این وجود شور و حال خاصی در میان مخاطبان ایجاد کرد. میثم ابراهیمی دیگر خواننده موسیقی پاپ نیز در این برنامه، قطعه‌های «وطن ای روح و تن، وطن فدای خاک تو، تمام جون من» و «عروسک» را خواند. پرواز همای، خواننده موسیقی سنتی هم به همراه گروه «مستان نو» قطعاتی را با مضمون ایران همچون «ایران ای سرای من»، «سرزمین بی‌کران» و «دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید» را اجرا کرد. همای در سخنانی گفت: «سپاسگزاریم از کسانی که بالاخره این کنسرت‌های خیابانی را راه‌اندازی کردند به امید این‌که یک‌ایک شما هر ماه، کنسرت‌های خیابانی تمامی هنرمندان را این‌جا بشنوید.» ویژ برنامه «شب ایران» با بخش قطعه «ایران ایران» با شعری از زندیاد تورج نگهبان، آهنگ‌سازی و تنظیم محمد سریر و خوانندگی زندیاد محمد نوری و همخوانی مردم با این قطعه به پایان رسید. موضوع برگزاری کنسرت‌های رایگان موسیقی در مراکز فرهنگی و هنری و بوستان‌ها از دهه ۹۰ توسط برخی هنرمندان و نهادهای فرهنگی و هنری مطرح و در مواردی نیز محقق شده است. نخستین کنسرت خیابانی شهر تهران ۱۶ تا ۱۸ تیر ۱۳۹۵ به مناسبت عید سعید فطر به صورت رایگان به همت شهرداری منطقه ۱۲ در میدان تاریخی مشق پایتخت برگزار شد و این کنسرت‌ها به مناسبت‌های مختلف و اعیاد تا سال ۱۳۹۸ هم ادامه داشت. اما کنسرت رایگان همایون شش‌روز که قرار بود با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴ شهریور ساعت ۲۲ در میدان آزادی برگزار شود به دلیل ناهماهنگی‌هایی امکان برگزاری این کنسرت از سوی شهرداری تهران محقق نشد و عدم برگزاری آن موجب حاشیه‌ها و بحث‌های زیادی شد.

راحت نیست. پگاه در گوشه‌کنار این فیلم به گرانی و آلودگی هوا و محدودیت‌ها هم اشاره کرده است.

یکی از عوامل جذابیت این مستند، استفاده از پتانسیل فضاست. بیضایی در جایگاه کارگردان فیلم برای جذاب‌تر کردن مستندش به شهرهای مختلف سفر کرده و از جذابیت‌های بصری آنجا استفاده کرده است. تهران، یزد، کرمانشاه، گهواره و هنگام در این فیلم حضور دارند. علاوه بر خانه استاد، می‌بینیم که پگاه او را بالای کوه می‌برد و سر مزار خانوادگی‌شان همراه او قدم می‌زند. از سوی دیگر نماهای جذابی از ساحل جزیره هنگام را می‌بینیم. همه این موارد باعث شده با اثری خوش‌رنگ و آمیخته با مناظر جذاب روبه‌رو باشیم.

بیضایی در رابطه با جذابیت سوژه و دلیل انتخاب آن توضیح می‌دهد: من دوستی داشتم که مرا به خانه استاد طاهر یارویی که از مقام‌نوازان تنبور مطرح آن منطقه هستند، دعوت کرد و ما برای دیدن ایشان و اینکه شاید بشود از زندگی‌شان یک بیوگرافی بسازیم به آنجا رفتیم. در خانه‌شان یک سری نقاشی روی دیوار دیدم که درباره این نقاشی‌ها کنج‌کاو شدم و به من گفتند، نقاشی‌ها کار دختری به نام پگاه است که از تهران نزد استاد می‌آید و چند ماه آنجا می‌ماند و با ایشان و خانواده‌اش زندگی می‌کند، به آنها در امور خانه کمک می‌کند و در کنار آن، تنبورنوازی را هم می‌آموزد. وقتی این صحبت‌ها را درباره دختر شنیدم، کاراکتر پگاه برایم جالب شد و به این نتیجه رسیدم که ساخت یک بیوگرافی بدین شکل که بخواهم دوربینی بکارم و با ایشان سوال و جواب کنم از نظر روند ساختاری برایم جالب و جذاب نخواهد بود. اینجا بود که مساله برای من جالب شد بنابراین به تهران بازگشتم، پگاه را دیدم و در واقع این فیلم به ارتباط پگاه و استاد طاهر یارویی مربوط است و در کنارش به بیوگرافی استاد نیز پرداخته می‌شود.

این کارگردان با اشاره به اینکه ساخت این فیلم برای او شبیه یک سفر درونی بوده است، می‌گوید: من در این فیلم در کنار استاد طاهر و پگاه دو سال زیست کردم در منطقه‌ای که تنبورنوازی یکی از ویژگی‌های آن است و در این منطقه، صدای سازی را می‌شنوید که در جای دیگری شنیده نمی‌شود.

سودابه بیضایی در مورد چرایی نزدیک نشدن به سوژه گفت: من اگر بخواهم، واقعیت را دستکاری کنم دیگر آن واقعیت و حقیقت کاراکتر و سوژه نیست که جلوی دوربین می‌آید بلکه چیزی است که من می‌خواهم از آنها ببینم و می‌خواستم فیلم به حقیقتی که هست، نزدیک‌تر باشد و در این مسیر اصلاً خودسانسوری نکردم.

سودابه بیضایی علاوه بر تمرکز روی زندگی استاد طاهر یارویی به تنهایی و زندگی یک دختر هنرمند در شهر تهران هم پرداخته و مسائل مختلف را هم به نقد کشیده است. پگاه دختر نقاشی است که زادگاهش یزد است و تعریف می‌کند که از وقتی به تهران آمده، توانایی بروز احساساتش را ندارد. او می‌گوید که فقط وقتی به شهر گهواره می‌رود و کنار استاد تمرین تنبور می‌کند به نظرش می‌آید که به تمامی زندگی کرده است. او می‌گوید همیشه دلش می‌خواسته تنبور یاد بگیرد و نام استاد را از یکی از دوستانش شنیده است. اولین باری که به شهرستان گهواره رفته و قدم به خانه استاد گذاشته، عشقی احساس کرده که بعد از آن تا همیشه دنبالش بوده است. بعد از آن هم دیگر در هیچ کجا و کنار هیچ‌کسی این حس را تجربه نکرده است. او می‌گوید تنها کسی که معاشرتش حس خوبی به او می‌دهد، استاد است. تنها در خانه اوست که می‌تواند ساز بزند و احساس بدی نداشته باشد چون در تهران برای ساز زدن



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ریشه‌گرایش به چپ

چرا در دام اندیشه چپ گرفتار می‌شویم؟

مهتا معرفت

مترجم

مطالعه‌ای که روی بیش از ۳۰۰ هزار دانشجو در ۵۰۰ دانشگاه آمریکا انجام شده، نشان می‌دهد که محیط‌های آموزشی فقط محل انتقال دانش تخصصی نیستند بلکه در شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها و حتی گرایش‌های سیاسی دانشجویان نیز نقشی تعیین‌کننده دارند.

نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی در مقایسه با دانشجویان علوم طبیعی گرایش بیشتری به سمت دیدگاه‌های چپ‌گرایانه پیدا می‌کنند. در مقابل، تحصیل در رشته‌های اقتصاد و کسب‌وکار، افراد را به سمت مواضع راست‌گرایانه سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، دانشگاه نه‌تنها محل یادگیری است بلکه به نوعی کارخانه شکل‌دهی به ذهنیت‌های سیاسی نیز به شمار می‌آید.

اما چرا چنین تفاوتی میان رشته‌ها وجود دارد؟ پژوهش نشان می‌دهد که ریشه این تفاوت در نوع محتوای آموزشی و چارچوب‌های فکری هر رشته نهفته است. در علوم انسانی و اجتماعی مفاهیمی مانند نابرابری، عدالت، تبعیض، فرهنگ و ساختار قدرت به‌طور گسترده مورد بحث قرار می‌گیرند. دانشجویان این رشته‌ها مرتباً با پرسش‌هایی درباره نقش جامعه در شکل‌دهی به سرنوشت افراد، ضرورت حمایت از گروه‌های فرودست و نقد ساختارهای سلطه مواجه‌اند. همین امر باعث می‌شود، حساسیت اجتماعی و فرهنگی بیشتری پیدا کنند و در نهایت تمایل بیشتری به دیدگاه‌های چپ‌گرایانه و اصلاح‌طلبانه نشان دهند. در مقابل، رشته‌های اقتصاد و کسب‌وکار بر مفاهیمی چون رقابت، کارایی، رشد اقتصادی، مسئولیت فردی و موفقیت مالی تأکید دارند. چارچوب نظری این رشته‌ها اغلب بر اساس باور به توانایی بازار آزاد در تخصیص بهینه منابع و نقش محدود دولت در اقتصاد استوار است. از این‌رو دانشجویان این رشته‌ها به تدریج به سمت ارزش‌هایی مانند استقلال فردی، بازار آزاد و کاهش مداخله دولت گرایش پیدا می‌کنند، عناصری که با مواضع راست‌گرایانه هم‌خوانی دارند. پژوهش همچنین نشان می‌دهد که این تغییر نگرش‌ها تنها در سطح باور باقی نمی‌ماند بلکه در رفتار اجتماعی و سیاسی نیز نمود پیدا می‌کنند. دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی معمولاً مشارکت بیشتری در فعالیت‌های مدنی، کنشگری سیاسی و فعالیت‌های داوطلبانه دارند. در مقابل، دانشجویان اقتصاد و کسب‌وکار تمایل دارند، انرژی خود را بر پیشرفت شغلی، درآمدزایی و رقابت فردی متمرکز کنند. بنابراین رشته نه تنها نگرش بلکه الگوی رفتاری افراد را نیز شکل می‌دهد.

یکی از یافته‌های مهم دیگر پژوهش این است که این اثرات، ناشی از فرآیند آموزش و محتوای درسی است نه صرفاً از محیط اجتماعی دانشگاه یا انتظارات درآمدی پس از فارغ‌التحصیلی. یعنی آنچه ذهن دانشجو را تغییر می‌دهد، مواجهه با ایده‌ها، نظریه‌ها و شیوه‌های تحلیل درون‌رشته است نه صرفاً معاشرت با افراد یا امید به آینده شغلی بهتر. برای مثال، دروس علوم سیاسی یا جامعه‌شناسی اغلب دانشجویان را تشویق می‌کنند تا ساختارهای قدرت و نابرابری را به چالش بکشند، در حالی که دروس اقتصاد، مدل‌هایی ارائه می‌دهند که فرض می‌کنند، انسان‌ها تصمیم‌گیرندگان عقلانی‌اند و بازارها کارآمد عمل می‌کنند. همین تفاوت‌های معرفتی به‌تدریج نوع نگاه دانشجویان به جهان را بازسازی می‌کند. نمودار دوم این تحقیق، نکته ظریفی را نشان می‌دهد: دانشجویان اقتصاد و کسب‌وکار معمولاً پیش از ورود به دانشگاه نیز گرایش راست‌گرایانه دارند و پس از فارغ‌التحصیلی تقریباً با همان نگرش خارج می‌شوند. در مقابل، دانشجویان رشته‌هایی مانند علوم انسانی، اجتماعی و هنر در طول تحصیل به میزان قابل‌توجهی به چپ حرکت می‌کنند و فاصله قابل ملاحظه‌ای از خط ۴۵ درجه دارند. این یافته به خوبی نشان می‌دهد که آموزش دانشگاهی در این رشته‌ها، اثر واقعی و قابل اندازه‌گیری بر تغییر نگرش سیاسی دانشجویان دارد. در این مقاله، مواضع سیاسی رشته‌های مختلف با دانشجویان علوم طبیعی مقایسه شده است. نتیجه همان الگوی کلی را تأیید می‌کند: دانشجویان علوم انسانی، علوم اجتماعی و هنر بیش از سایرین تمایل به دیدگاه‌های چپ دارند، در حالی که دانشجویان اقتصاد و کسب‌وکار به سمت راست متمایل‌اند. جمع‌بندی این پژوهش، تصویری روشن از تأثیر آموزش دانشگاهی بر باورهای سیاسی ارائه می‌دهد. دانشگاه نه فقط نهادی آموزشی بلکه عرصه‌ای برای بازسازی ذهنیت سیاسی نسل جوان است. هر رشته علمی با مجموعه‌ای از مفاهیم، مفروضات و ارزش‌های ضمنی همراه است که به‌طور نامحسوس اما مؤثر، چارچوب فکری دانشجویان را تغییر می‌دهد. از این منظر، انتخاب رشته تحصیلی تنها انتخاب مسیر شغلی نیست بلکه انتخاب نوع نگاه به جهان نیز هست. نگاهی که ممکن است تا سال‌ها بر رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فرد تأثیر بگذارد.

دن آریلی

استاد روانشناسی و اقتصاد رفتاری دانشگاه دوک

مترجم: مهتا معرفت

یکی از نخستین و در عین حال جالب‌ترین یافته‌های «اقتصاد رفتاری» پدیده‌ای است که به آن «تنفر از باخت» یا «اجتناب از زیان» گفته می‌شود. این مفهوم در ساده‌ترین شکل خود می‌گوید، انسان‌ها از باخت دست دادن چیزی که دارند بیشتر ناراحت می‌شوند تا از به دست آوردن چیزی مشابه خوشحال شوند. به عبارت دیگر، درد از دست دادن معمولاً دو تا سه برابر بیشتر از لذت به دست آوردن است. وقتی پول، دارایی یا فرصتی را از دست می‌دهیم، رنجی که تجربه می‌کنیم بسیار شدیدتر از خوشحالی زمان کسب همان مقدار پول یا دارایی است.

این پدیده نشان می‌دهد که ذهن انسان به گونه‌ای طراحی نشده که به سود و زیان به شکل متقارن، واکنش نشان دهد. مغز ما برای بقا و اجتناب از خطر تکامل یافته نه برای بهینه‌سازی اقتصادی. بنابراین از دید روانی، زیان بیشتر از سود بر تصمیم‌گیری‌های ما اثر می‌گذارد. این نکته سساده اما بنیادین بسیاری از فرض‌های اقتصاد کلاسیک را که بر عقلانیت کامل انسان‌ها استوار بود به چالش کشید.

برای درک بهتر این موضوع به مثالی از دنیای فروش و بازاریابی توجه کنید. تصور کنید شما فروشنده تلویزیون هستید و دو

شرکت مختلف محصولات خود را از طریق شما عرضه می‌کنند. هر کدام از این شرکت‌ها می‌خواهند شما برای فروش تلویزیون‌هایشان بیشتر تلاش کنید. در حالت عادی، روش متداول این است که شرکت‌ها برای ترغیب شما، درصد یا حق‌العمل بیشتری به ازای هر فروش پرداخت کنند. اما اگر از ایده «اجتناب از زیان» استفاده کنیم، می‌توان سازوکاری طراحی کرد که انگیزه شما را به شکل چشمگیری افزایش دهد. فرض کنید یکی از این شرکت‌ها بگوید: ما پیش‌بینی می‌کنیم شما در سال جاری ۳۰۰ دستگاه تلویزیون از برند ما بفروشید. بنابراین ما کل کمیسیون مربوط به فروش ۳۰۰ دستگاه را از همین حالا به‌طور کامل به شما پرداخت می‌کنیم. اما اگر تا پایان سال نتوانید به این تعداد فروش برسید باید به ازای هر تلویزیونی که کمتر از ۳۰۰ عدد فروخته‌اید، مبلغ مربوط به کمیسیون آن را بازگردانید. ما این آزمایش را در عمل انجام دادیم و نتایج شگفت‌انگیزی به دست آمد. فروشندگان در شرایطی که پول را از پیش دریافت کرده بودند به طور متوسط فروش بسیار بیشتری نسبت به گروه کنترل داشتند که کمیسیون را به‌صورت معمول و پس از فروش دریافت می‌کردند. توضیح روانی این پدیده روشن است: وقتی افراد پولی را در اختیار دارند از دست دادن آن برایشان دردناک

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در جریان معاملات دیروز ۱۷ آبان ماه موفق شد با رشد ۰/۶۶ درصد، بالای کانال ۳/۲ میلیون واحد تثبیت شود و به سطح ۳ میلیون و ۲۲۴ هزار واحد برسد. البته شاخص کل در معاملات دیروز تا نیمه کانال ۳/۲ میلیون واحد پیشروی کرد اما با فشار عرضه ایجاد شده از اوج روزانه خود عقب نشست. شاخص هموزن نیز با ثبت رشد ۰/۴۴ درصد، پرونده خود را در روز شنبه در سطح ۹۲۶ هزار واحد بست. معاملات روز شنبه بازار سهام با موجی از خوش‌بینی و فشار تقاضا آغاز شد اما افزایش عرضه‌ها در ادامه باعث تعدیل بخش قابل توجهی از رشد اولیه شاخص‌ها شد. شاخص کل بورس

درد از دست دادن

بررسی اقتصاد رفتاری در باب تنفر از باخت

است. حتی اگر از نظر حسابداری، مقدار پول دریافتی در هر دو حالت یکسان باشد، ذهن انسان به پولی که در اختیار دارد، احساس مالکیت پیدا می‌کند و تلاش می‌کند از دست رفتن آن را به هر قیمتی جلوگیری کند. اثر روانی از دست دادن پول، بسیار قوی‌تر از انگیزه کسب همان مقدار پول در آینده است. این یافته در عمل برای بسیاری از حوزه‌ها کاربرد دارد؛ از نظام‌های پاداش کارکنان گرفته تا طراحی سیاست‌های عمومی. برای مثال، در برخی شرکت‌ها، به جای آن‌که پاداش عملکرد را در پایان سال پرداخت کنند، آن را به‌صورت پیش‌پرداخت در اختیار کارمندان می‌گذارند و اگر اهداف تعیین‌شده تحقق پیدا نکند، بخشی از آن پاداش بازپس گرفته می‌شود. چنین طرح‌هایی معمولاً عملکرد بهتری در انگیزش کارکنان نشان داده‌اند، زیرا ذهن انسان از «احساس زیان»



بیزار است و برای اجتناب از آن تلاش بیشتری می‌کند.

اما این تنها یکی از جلوه‌های «اجتناب از زیان» است. مفهوم مرتبط دیگری در اقتصاد رفتاری وجود دارد که به آن اثر تملک یا اثر مالکیت (Endowment Effect) گفته می‌شود. این اثر بیان می‌کند که صرف در اختیار داشتن یک شیء باعث می‌شود ما آن را با ارزش‌تر از زمانی بدانیم که مالک آن نیستیم. از لحظه‌ای که چیزی به ما تعلق می‌گیرد، ارزیابی ذهنی‌مان از ارزش آن افزایش می‌یابد.

برای بررسی این موضوع، آزمایشی طراحی شد که در آن میان گروهی از دانش‌آموزان به‌طور تصادفی لیوان یا شکلات پخش شد. پس از مدتی از هر فرد خواسته شد اگر کسی بخواهد آن شیء را از او بخرد چه قیمتی پیشنهاد می‌کند. نتایج جالب بود: کسانی که لیوان داشتند برای فروش لیوان خود، قیمت بالایی تعیین می‌کردند و در توجیه آن می‌گفتند لیوانشان کیفیت خوبی دارد و به آن علاقه‌مند شده‌اند. در مقابل، گروهی که شکلات دریافت کرده بودند، شکلات را با ارزش‌تر می‌دانستند و تمایلی به تعویض یا فروش آن نداشتند. نکته کلیدی در اینجا این است که این احساس ارزشمندی نه به خاطر ویژگی واقعی کالا بلکه صرفاً به خاطر احساس مالکیت به وجود می‌آید. ذهن انسان طوری عمل می‌کند که

از لحظه‌ای که چیزی را «مال خود» می‌داند به‌طور ناخودآگاه دلبستگی عاطفی و ذهنی به آن پیدا می‌کند. از آن پس از دست دادن آن شیء معادل با تجربه زیان است.

در آزمایش مشابه دیگری، گروهی از دانشجویان به‌طور تصادفی در ازای مبلغی اندک، بلیت یک مسابقه مهم بسکتبال را دریافت کردند. گروه دیگر چنین بلیتی نگرفتند. بعداً از دارندگان بلیت خواسته شد اگر کسی بخواهد بلیت را بخرد چه قیمتی پیشنهاد می‌دهند. در مقابل، از گروهی که بلیت نداشتند، پرسیده شد حاضرند چه مبلغی برای خرید بلیت بپردازند. نتیجه حیرت‌انگیز بود: قیمت پیشنهادی فروشندگان بلیت چندین برابر قیمت پیشنهادی خریداران بود. دارندگان بلیت در توجیه خود می‌گفتند این مسابقه تجربه‌ای خاص و لحظه‌ای مهم در زندگی‌شان خواهد بود، در حالی که گروه دیگر همان مسابقه را چندان ارزشمند نمی‌دانست و حاضر نبود، مبلغ زیادی برایش پرداخت کند. نکته جالب این بود که توزیع بلیت‌ها کاملاً تصادفی انجام شده بود و هیچ ارتباطی با علاقه شخصی افراد به بسکتبال نداشت. اما همین احساس مالکیت باعث شده بود، ارزش ذهنی بلیت برای گروه اول به شدت افزایش یابد. این همان اثر تملک است که نشان می‌دهد انسان‌ها تمایل دارند، دارایی‌های خود را بیش از ارزش واقعی‌شان ارزیابی کنند چون از دست دادن آنها نوعی زیان روانی محسوب می‌شود.

این دو پدیده یعنی «اجتناب از زیان» و «اثر تملک» با هم تصویری تازه از رفتار انسان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ارائه می‌دهند.

برخلاف تصور اقتصاد کلاسیک که فرض می‌کرد افراد بر اساس عقلانیت و حداکثرسازی سود تصمیم می‌گیرند، اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد، انسان‌ها موجوداتی احساسی‌اند که ادراک‌شان از سود و زیان تحت تأثیر احساسات و چارچوب ذهنی قرار دارد. از این‌رو، نحوه ارائه یا «چارچوب‌بندی» تصمیم‌ها (Framing) اهمیت فراوانی دارد. برای مثال اگر به فردی بگوییم «در صورت رعایت رژیم ۱۰ درصد احتمال دارد سالم بمانید» یا برعکس بگوییم «در صورت رعایت نکردن رژیم ۱۰ درصد احتمال دارد بیمار شوید» هرچند از نظر آماری هر دو جمله یکسان‌اند، واکنش افراد متفاوت خواهد بود. انسان‌ها تمایل دارند از زیان فرار کنند نه اینکه برای سود بجنگند.

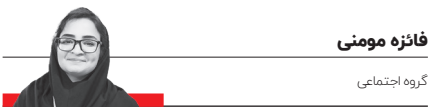
در نهایت، پیام اصلی اقتصاد رفتاری این است که درک ما از ارزش، عقلانی و ثابت نیست بلکه به احساس مالکیت، ترس از زیان و حتی نحوه بیان مساله بستگی دارد. ما انسان‌ها برخلاف محاسبه‌گرهای منطقی به هر آنچه داریم، دل می‌بندیم و از دست دادنش را برابر با از دست دادن بخشی از خود می‌دانیم. از همین روست که تصمیم‌گیری‌های ما- چه در بازار، چه در روابط شخصی- بیش از آنکه بازتاب محاسبات عددی باشد، بازتاب احساسات پنهان و سوگیری‌های ذهنی ماست.

حقیقی میانگین خرید ۵۸.۴ میلیون تومان و میانگین فروش ۶۳.۷ میلیون تومان بود که از برتری نسبی فروشندگان حکایت دارد. بسا این حال ورود پول حقیقی به بازار به رقم ۳۱۱ میلیارد تومان رسید که بیانگر جریان محدود نقدینگی به سمت سهام است. در مقابل، خروج سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت ادامه یافت و دیروز نیز حدود ۶۲۲ میلیارد تومان پول حقیقی از این صندوق‌ها خارج شد؛ نشانه‌ای از جابه‌جایی بخشی از نقدینگی به سمت بازار سهام، هرچند هنوز اثر پرفردتی بر افزایش تقاضا نگذاشته است. از میان نمادهای فعال بازار ۴۱۲ نماد رشد قیمت و ۴۰۱ نماد افت قیمت را تاجر به کردند که بیانگر تعادل نسبی در کلیت معاملات است. ارزش سفارش‌های خرید حقیقی به ۱۵،۳۳۳ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش به ۷۸۷ میلیارد تومان رسید که برتری سمت تقاضا در دقایق پایانی بازار را نشان می‌دهد. تعداد صف‌های خرید ۹۵ و تعداد صف‌های فروش ۹۱ بود. نمود. ایسن آمار حاکی از بازگشت نسبی خریداران به نمادهای بنیادی و افزایش تحرک نوسان‌گیران در بازار است.

در مجموع، بورس تهران روزی صعودی اما محتاطانه را پشت سر گذاشت؛ بازاری که با جهش اولیه آغاز شد اما با تعدیل عرضه‌ها در محدوده مثبت بسته شد و امیدها به تداوم روند صعودی در هفته آینده را زنده نگه داشت.

کودک‌همسری قانونی

درباره سایت همسرگزینی آدم و حوا



در روزهای اخیر، کلیپی با عنوان «ازدواج آرامش» که در آن چند دختر بچه با صدای کودکانه سرودهایی درباره ازدواج، «عروس شدن» و «واسطه‌گری خیر» می‌خوانند، در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان دست به دست شد. فضای آن کلیپ شبیه اجرای یک سرود دانش‌آموزی است؛ اما محتوای شعرها مفاهیم ازدواج، آرامش و عروس شدن را در ذهن کودکان ۸ تا ۱۰ ساله می‌کارد. همین تضاد باعث شد که کاربران زیادی در فضای مجازی و رسانه‌ها به آن واکنش نشان دهند؛ عده‌ای این کلیپ را مصداق ترویج کودک‌همسری و نقض حقوق کودک دانستند و عده‌ای دیگر آن را صرفاً یک «برنامه فرهنگی» خواندند. در کنار این کلیپ، موضوعی دیگر هم توجه افکار عمومی را برانگیخت: گزارش‌هایی از ثبت‌نام دختران ۱۰ تا ۱۵ ساله در سامانه‌ای به نام «آدم و حوا» و حضور مادران به عنوان واسطه ازدواج برای کودکان. بر اساس قانون مدنی ایران، سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین شده است اما با کسب اجازه پدر یا حکم دادگاه امکان ازدواج دختران حتی از ۸ سال و ۹ ماه قمری وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که تعریف «کودک» در نظام حقوقی ایران با تعریف بین‌المللی، که تمامی افراد زیر ۱۸ سال را کودک می‌داند، مغایرت دارد. به همین دلیل سازمان‌های مدافع حقوق کودک معتقدند که قوانین فعلی راه را برای ازدواج‌های زودهنگام هموار کرده

جامعه

سوء مدیریت، نه مصرف خانگی

در نتیجه ناکارآمدی، آب برخی شهروندان تهرانی از ساعت ۲۴ تا ۵ صبح قطع می‌شود

کمتر از دو هفته، تعداد سدهای بحرانی بیش از دو برابر شده است. مصصرف خانگی تنها ۷ درصد آب کشور را به خود اختصاص می‌دهد اما در مدیریت بحران همیشه آماج سرزنش قرار می‌گیرد. بر اساس داده‌های رسمی ۹۰ درصد آب ایران در بخش کشاورزی و ۳ درصد در صنعت مصرف می‌شود. کارشناسان می‌گویند حدود ۵۰ درصد آب مصرفی در زمین‌های کشاورزی به دلیل آبیاری سنتی هدر می‌رود و بهبود ۱۰ درصدی این حوزه می‌تواند، مشکل آب شرب ایران را حل کند. پژوهشگران حوزه آب نیز تخمین زده‌اند که حدود ۲۲ درصد آب تهران در شبکه فرسوده لوله‌های آب شهری نشت می‌کند؛ رقمی که معادل حجم سد کرج است. این داده‌ها نشان می‌دهد، هدررفت اصلی نه در خانه‌ها بلکه در کشاورزی غیربهنیه، شبکه‌های آبرسانی فرسوده و مدیریت غلط است. اما به جای اصلاح ساختاری، برخی سیاست‌ها مشکل را پیچیده‌تر می‌کنند. یکی از نمونه‌های تازه این سیاست‌ها، مجوز زدن ۱۰۰ حلقه چاه جدید در دشت تهران است. کارشناسان هشدار می‌دهند، دشت تهران به دلیل برداشت بی‌رویه سفره‌های زیرزمینی سالانه حدود

گروه اجتماعی: در روزهای میانی آبان ۱۴۰۴ تهران بزرگ در حالی با قطعی شبانه‌به‌رو روبه‌روست که مسئولان همچنان می‌گویند فقط شهروندان باید صرفه‌جویی کنند. گزارش‌های مردمی و رسانه‌ای نشان می‌دهد چند هفته است که آب برخی محله‌های پایتخت از ساعت ۲۴ تا حدود ۵ بامداد قطع یا فشار آن به حد صفر می‌رسد. وزارت نیرو رسماً اعلام کرد، کاهش فشار شبانه عمدی است تا از هدررفت آب جلوگیری شود و از مردم خواست «ذخیره‌ساز» نصب کنند. این تصمیم در حالی گرفته شده که تهران در ششمین سال پیاپی خشکسالی است و هنوز هیچ بارشی در مهر و آبان ثبت نشده است. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی سازمان هواشناسی هشدار داده که از ابتدای سال آبی ۱۶ آبان، بارش‌های کشور ۸۵.۷ درصد کمتر از میانگین بوده و در تهران بارندگی تنها یک میلی‌متری یعنی ۹۵.۸ درصد کمتر از میانگین ۲۵ میلی‌متری بوده است. او گفته تا ۱۰ روز آینده هم بارانی در تهران نخواهیم داشت. همزمان آمار منتشرشده نشان می‌دهد، شمار سدهایی که کمتر از ۵ درصد آب دارند به ۱۹ سد رسیده است؛ در ابتدای آبان این عدد ۹ بود یعنی در

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۴۷۸۲۰۰۱۷۸۰۰۳۰۱۴۰۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۹/۲۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد مهردوست فرزند محمدطاهر بشماره شناسنامه ۴ صادره از سروآباد در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداتی در آن به مساحت ۴۹/۸۲ متر مربع پلاک ۱۸۱۰ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲۶۵ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای رضا بشری محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸ رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد تهران – خداداد بشیری شناسه آگهی ۲۰۳۰۸۴۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۱۲۰۰۸۰۰۳۱۰۵۰۲۱۴۰۴۶ تاریخ ۱۴۰۴/۵/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان اق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۵/۳۰۰۸۰۰۰۵۸۱ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای حاج محمد اونیق فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۱۲۲ و کد ملی ۴۹۷۹۶۱۶۹۳۳ صادره اق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۵۱۴/۵۴ متر مربع، مفروز، و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۶ فرعی از ۱۴ -اصلی-واقع در اق قلا -اراضی قریه قزلی - بخش ۱۳- حوزه ثبتی ملک شهرستان اق قلا از سهمی مالک رسمی (راز پوری) تأیید گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۹۰ تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۴/۸/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم:روز یکشنبه ۱۴۰۴/۸/۱۸ مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اق قلا

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۸۰۰۳۱۰۷۰۰۴۶۰۱۴۰۴۶ تاریخ ۱۴۰۴/۵/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان اق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۵/۳۰۰۸۰۰۰۵۸۳ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای حاج محمد اونیق فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۱۲۲ و کد ملی ۴۹۷۹۶۱۶۹۳۳ صادره اق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۰۰۰ متر مربع، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۳۸ فرعی از ۱۲ -اصلی-واقع در اق قلا -اراضی قریه اونیق بلی - بخش ۱۳ - حوزه ثبتی ملک شهرستان اق قلا از سهمی مالک رسمی (محمد علی اونیق) تأیید گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۹۰۲ تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۴/۸/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: روز یکشنبه ۱۴۰۴/۸/۱۸ مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اق قلا

۱۹ سانتی متر فرونشست می‌کند و حفر چاه‌های جدید ممکن است موقتاً عطش را کاهش دهد اما در آینده بحران را چند برابر خواهد کرد. همچنین طرح انتقال آب از دریای عمان «پروژه‌ای پر هزینه و بدون توجیه علمی» توصیف شده که با نبود مدیریت درست در مقصد فقط بحران را تشدید می‌کند. برای ساکنان تهران، قطع شبانه آب بی‌خبر، یعنی اختلال در بهداشت و زندگی روزمره و ایجاد حس بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان. در حالی که وزیر نیرو از مردم می‌خواهد مخزن بگذارند، بسیاری از خانوارها به خصوص در محله‌های محروم، توان خرید آن را ندارند و شبکه قدیمی این مناطق بیشتر در معرض قطع آب است. عدالت آبی یعنی دولت باید با احصای نیاز و آسیب‌پذیری، توزیع آب را مدیریت کند نه با شعارهای کلی. افزون بر این، زرمه‌های «تخلیه تهران» از مهاجرت اجباری ۱۳ میلیون نفر به دلیل کم‌آبی بیشتر شبیه فراکنکی است تا راه‌حل. همان‌طور که کارشناسان می‌گویند، ذخیره سدهای تهران به حدود ۵ درصد رسیده است و اگر بارندگی نشود حتماً باید جبرینسندی کرد؛ اما به جای تهدید به تخلیه پایتخت، دولت باید به سراغ اصلاح الگوی کشت، کاهش اتلاف در شبکه‌های شهری و استفاده از فناوری‌های نو در صنعت برود. حفر چاه‌های غیرمجاز و پروژه‌های پر هزینه انتقال آب در حالی دنبال می‌شود که انرژی و سرمایه کشور می‌تواند، صرف بازسازی خطوط انتقال، کاهش نشت و تغییر نظام تخصیص آب شود.



پلنفرم همچنین از کاربران می‌خواهد، فرم‌هایی را پر کنند که نه‌تنها شامل اطلاعات شخصی و خانوادگی است بلکه پرسش‌هایی دربارهٔ باورهای سیاسی، میزان اعتقاد به ولایت فقیه، رعایت حساب و نماز را نیز در بر دارد. در واکنش به این انتقادات، مدیر اجرایی سامانه «آدم و حوا» در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این سامانه «صرفاً مادهٔ ۳۷ قانون جوانی جمعیت را اجرا می‌کند» و نمی‌تواند به‌طور مستقل برای ممنوعیت ثبت‌نام افراد زیر سن قانونی تصمیم بگیرد. او گفته است که سن ازدواج دختران ۱۳ و پسران ۱۴ سال است و «تمامی موارد زیر سن قانونی با اطلاع و موافقت خانواده‌ها ثبت می‌شود».

معارض با حقوق کودک

استفادهٔ پلنفرم‌های همسان‌گزینی از بخش‌های آموزشی با محتوای جنسی یکی دیگر از انتقادهای جدی فعالان حقوق کودک است. در برخی از این سایت‌ها، بخشی با عنوان «اتاق خواب رویا» یا «صمیمیت در دوران نازمردی» وجود دارد که مطالبی دربارهٔ روابط جنسی، بدن و زندگی زناشویی ارائه می‌دهد، در حالی که این محتواها بدون هشدار و راهنمای سنی برای همهٔ کاربران از جمله کودکان قابل دسترسی است. چنین روندی، آشکارا با اصول کنوانسیون حقوق کودک مغایرت دارد که دولت‌ها را موظف به محدودسازی دسترسی کودکان به محتوای نامناسب می‌کند.

چرا کودک همسری؟

برای فهم چرایی گسترش کودک‌همسری در کشورمان باید به ترکیبی از عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی توجه کنیم. در برخی مناطق کم‌برخوردار، ازدواج زودهنگام دختران راهکاری برای کاهش بار مالی خانواده یا ایجاد پیوندهای قبیله‌ای است. همچنین برداشت‌های سنتی و مذهبی که بر بلوغ جسمی به‌عنوان معیار ورود به زندگی مشترک تأکید دارد به تداوم این پدیده کمک می‌کند. از سوی دیگر سیاست‌های تشویقی دولت برای افزایش جمعیت و ازدواج، از طرح «جوانی جمعیت» تا راه‌اندازی سامانه‌های همسان‌گزینی، غالباً بدون توجه به عواقب اجتماعی و روانی ازدواج زودرس اجرا می‌شود. کودک‌همسری، پیامدهای سنگینی برای دختران دارد. از نظر پزشکی، بارداری در سن پایین خطر بالای مرگ‌ومیر مادر و نوزاد، سقط جنین و مشکلات جسمی مانند فیستول را افزایش می‌دهد. از نظر روانی، ازدواج زودهنگام مانع رشد شخصیتی، تحصیلی و اجتماعی کودکان می‌شود و احتمال بروز افسردگی، خودکشی و خشونت خانگی را افزایش می‌دهد. تحقیقات جهانی نشان می‌دهد، زنانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند با احتمال بیشتری قربانی خشونت همسر و محرومیت از آموزش و اشتغال می‌شوند. در ایران نیز بسیاری از دختران کودک‌همسر از ادامه تحصیل محروم می‌شوند و به‌دلیل نبود شبکهٔ حمایتی در چرخه‌ای از فقر و خشونت گرفتار می‌مانند. با توجه به این شرایط، ثبت‌نام یک دختر بچه توسط مادر در سامانهٔ «آدم و حوا» یا تمجید «ازدواج آرامش» در سرودهای مدرسه، نه نشانهٔ «آرامش» بلکه نشانهٔ بازتولید چرخه‌ای از فقر، ناامیدی و سلطه است. همزمان مسئولیت دولت در قبال حقوق کودکان قابل توجیه نیست. دولت ایران عضو کنوانسیون حقوق کودک است و باید حقوق کودکان را بدون تبعیض اجرا کند. عدم شفافیت و ضعف نظارت بر سامانه‌های همسان‌گزینی امکان سوء استفاده و انتشار محتوای نامناسب را فراهم کرده است. وقتی حتی یک پلنفرم به‌طور علنی پروفایل‌های دختران ۱۳ ساله و حتی ۱۱ ساله را منتشر می‌کند، نمی‌توان با استناد به «قانون» از مسئولیت اخلاقی و حقوقی شانه خالی کرد.

گزارش ویژه

آغاز دور جدید حراج

شماره‌های رند همراه اول

دور جدید حراج شماره‌های رند همراه اول آغاز شده و تا ۲۲ آبان ۱۴۰۴ ادامه دارد. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، شرکت ارتباطات سیار ایران حراج سیمکارت‌های رند خود برای آبان ۱۴۰۴ را آغاز کرده و متقاضیان تا ۲۲ آبان ۱۴۰۴ فرصت شرکت در آن را دارند. این حراج عمومی به صورت اینترنتی از طریق سامانه رسمی به آدرس fond.mci.ir برگزار می‌شود. متقاضیان شرکت در این حراج باید پس از ثبت‌نام و تأیید شرایط و ضوابط مربوطه، ودیعه‌ای معادل ۲۰ درصد مبلغ پایه شماره همراه مورد نظر خود را به صورت آنلاین پرداخت کنند. اعتبار هر حراج بر اساس دو شرط زمانی است: نخست، پایان زمان قانونی تعیین شده و دیگری، سیری شدن حداقل ۸ ساعت از آخرین پیشنهاد قیمت ثبت شده برای هر شماره است. در صورتی که پیشنهادی جدیدی در این بازه زمانی ثبت نشود، مدت زمان حراج برای یک دوره ۸ ساعته دیگر تمدید می‌شود. تا فرصت رقابتی برابر در اختیار متقاضیان قرار گیرد. پس از پایان حراج، اعضای کارگروه رند همراه اول به بررسی نتایج پرداخته و پس از تأیید نهایی، اسامی برندگان را اعلام می‌کنند. اعلام نتایج از طریق پیامک، ایمیل همچنین حساب کاربری متقاضیان انجام می‌گیرد. برندگان این حراج ۱۲۰ ساعت فرصت دارند تا مبلغ باقیمانده را از طریق حساب کاربری خود در سامانه پرداخت کنند. برای دریافت پشتیبانی و پاسخ به سوالات، شماره تلفن ۹۹۹۰ در دسترس متقاضیان قرار دارد. تمامی علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام در این حراج به سامانه fond.mci.ir مراجعه کنند.

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

همکار گرامی؛ سرکار خانم

سعیده آرین‌فر

مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی

و خلد برین سرائشان باد.

روزنامه سازندگی

